

وصی و فرستاده

امام مهدي عليه السلام

در کتابهای تورات و انجیل و قرآن

تحلیل و تحقیق

شیخ صادق محمدی

۱۴۳۱-هـ ق

برای آشنایی بهتر با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام میتوانید به سایت ذیل مراجعه

فرمایید .

www.almahdyoon.org

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به راستی که خداوند متعال با توجه به حکمت و دانش و علم خویش خواست که خود را به انسان‌ها بشناساند و بخاطر این که او عظیم و بزرگ است و شناخت دقیق و حقیقت او امکان پذیر نخواهد بود مگر با فنا و نابودی در ذات او که پاک و منزّه است. و این معنی و سخن هرچند که در گفتار و زبان حال مردم خیلی ساده و قابل درک برای آن‌ها به نظر می‌رسد ولی بعنوان یک طریق سیر به سوی اوست که مردم از آن غافل شده‌اند چون که خیلی از امور وجود دارد که انسان از آن‌ها غافل می‌شود آنهم به دلیل این که این امور این قدر بدیهی هستند که انسان در زندگی روزمره همیشه با آن‌ها روبرو بوده و زندگی او پر از این امور است و به همین سبب انسان آن‌ها را احساس نمی‌کند چون از روزی که قوای حسی و عقلی انسان شروع شد این امور ظاهر و آشکار و بدیهی بوده است و ظهور آن‌ها ثابت شده است. و این ظهور و اثبات در ظاهری است که انسان آن را احساس نمی‌کند یعنی انسان همیشه با آن روبرو است ولی آن را احساس نمی‌کند.

برای مثال انسان احساس نمی‌کند که دارای یک قلبی است که می‌تپد و این قلب به صورت منظم و تنظیم شده است و از بدو تولد بدون هیچ گونه تغییری کار می‌کند. لیکن به محض این که این قلب مضطرب شود و بترسد و یا صدمه ببیند وجود آن احساس می‌شود.

پس این جهان هستی و این مخلوقات را خداوند به طور عموم آفریده است آن هم با نظم و منظم و دقیق و دارای دقت و تنظیمی بی نهایت است تا بتواند به وسیله این تنظیم پابرجا باشد و استمرار داشته باشد و عموم مردم نیز این وجود یعنی (نظم و ترتیب) را درک نمی‌کنند و همواره از آن غافل هستند پس چگونه از خالق آن غافل نباشند لذا از ضروریات است که یک شخص امین و امانت دار را باید بفرستد تا مردم را در خصوص این امری که از آن غافل هستند یادآوری بنماید و آن‌ها را متذکر سازد.

از بزرگترین دانشها و حکمت و از بزرگترین دلایل این است که: امری و دستوری که با شدت هرچه تمام ظاهر شده و صادر شد و مردم از آن غافل و ناآگاه هستند به محض این که به مردم یادآوری شود و آن‌ها را متذکر سازد آن‌ها شروع به سوال کردن و تعجب در

خصوص غفلت خود از این امر می نمایند و از خود سوال می کنند که: ما چرا این گونه از این امر غافل ماندیم ما را چه شده است؟ ولی نفس انسانی به چیزهایی که در اطراف او باشد متعلق و وابسته می ماند.

در حالی که چیزی که از او خواسته شده است و باید انجام دهد کمال خویش است که باید خود را به کمال برساند و رسیدن حقیقی به چیزی که خیر و صلاح او در آن باشد.

از امور مهمی که در دعوت سید احمد الحسن علیه السلام وجود دارد آن است که عده زیادی از کسانی که نسبت به ادیان خود متعصب و متشدد و افراطی هستند را سید احمد الحسن علیه السلام با اموری به سوی آن ها آمده است که از آن ها غافل بوده اند. و آن هم به دلیل بدیهی بودن این امور این غفلت صورت گرفته است.

از جمله آن ها وصیت مقدس رسول خداست صلی الله علیه و آله که بخاطر زیاد بودن تداول آن در بین مسلمین خیلی ظاهر و آشکار و بدیهی بوده است ولی به خاطر همین آشکاری زیاد آن مسلمانان از آن غافل بوده اند.

و همین طور مسئله آن کسی که به جای حضرت عیسی علیه السلام به صلیب آویخته شد و او شبیه حضرت عیسی علیه السلام بود. و حقیقت او را نشناختند که چه کسی است و این به خاطر این است که دو دین، مسیح و اسلام دینهایی هستند که خاتمه ای برای پیامبران بنی اسرائیل و نیز خاتمه ای برای اسلام که همان خاتمه برای دین حنیفان است و هم چنین خاتمه ای برای همه ادیان بوده است.

چیزی که دنیا در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام با آن روبرو خواهد شد اتمام حجت بر جهانیان است. فلذا هر چیزی که موافق با وجود انسان به صورت تکوینی بوجود می آید را انسان همواره از آن غافل بوده است و آن را احساس نمی کند مگر این که یک حرکت ترسناک و اضطراب آور بوجود آید تا او را از این غفلت بیرون بیاورد. و یا این که یک حرکت وسیره ای بوجود آید که او را آگاه سازد.

و به همین دلیل است که خداوند آیات و نشانه ها را برای بیم دادن و یادآوری می فرستد. در بعضی اوقات احیانا این موارد یادآوری و راههای تذکر در همان جهانی که انسان در آن زندگی می کند متجلی و آشکار می شود و یا در درجه ای بالاتر از این جهان

هستی و اگر شخص مادی بود به وسیله اسباب مادی بسوی او می آید و اگر اسباب مادی برای رجوع او به حق و حقیقت ناتوان بودند پس راههای دیگری را با او طی خواهد کرد.

و این راهها موافق و همراه با روش ها و اسباب مادی خواهند آمد و به همین دلیل مثلاً وقوع زلزله و یا حوادث به خاطر این است که انسان خود را در برابر قدرت خداوند ضعیف و عاجز ببیند همان قدرتی که در حجت او که یادآوری انسان هاست ظاهر شده است.

شیخ

صادق الحمیدی

این کتاب

((مجموعه ای از سوالاتی است که از طریق اینترنت از طرف یک زن مسیحی از سید احمد الحسن علیه السلام مطرح شده است و سید احمد الحسن علیه السلام به آن ها پاسخ داده است.

اینک به منظور این که فایده ای برای بقیه انسان ها داشته باشد اقدام به نشر آن ها نمودیم و انشاءالله تعداد زیادی از سوالاتی که از طریق اینترنت سوال شده است منتشر خواهد شد که سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام به آن ها جواب داده است و بعضی از این سوالات را انصار و یاران امام مهدی علیه السلام در کتابی تحت عنوان جوابهای روشن کننده جواب داده اند.))

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾^(۱).

خداوند پیامبران را انتخاب میکند و مردم را به سوی پیامبران هدایت می کند البته کسی را هدایت می کند که خواستار هدایت و خواستار جنگ با (منیت) یا خودخواهی باشد و نفس خودش را در راه خدا فدا کند و جانش را نثار راه خدا و جهت تقرب به خداوند پاک و منزه از دست بدهد و به اندازه خودخواهی و تکبر که در نفس انسان وجود دارد به همان اندازه در هدایت شدن و شناخت حق و شناخت پیامبر در او تأخیر می افتد.

در دعایی از امام مهدی علیه السلام می فرماید: خداوند راه شناخت خودت را به من نشان بده (خودت را به من بشناسان) چون اگر شناخت خودت را نصیب من نکنی نمی توانم رسول و فرستاده و پیامبر تو را بشناسم^(۲). پس چگونه کسی که خودش را در راه خدا فدا ننماید انتظار دارد که خداوند خودش را به او بشناساند؟ و چگونه خداوند شناخت خودش را به کسی که به درد ابلیس (لع) مبتلا باشد؟

﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^{(۳) (۴)}

۱ - شوری: ۱۳.

۲ - کافی: ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۵.

۳ - برآستی که تنها راهی که انسان را به حق و حقیقت می رساند جز راهی که سید احمد الحسن علیه السلام که معنی فی جلد ۳ ص ۳۳۳ می تواند باشد و آن جنگ و محاربه با خودخواهی و منیت است و آن از مهمترین راههای کفایت تمهیدالکله می باشد و حیوان نلار به کفر بر او حقیقت نیست و میساختن خود و راهی شرک به بلیالین حمل لحمین علیه السلام معرفی کرده است نمی تواند باشد و آن جنگ و محاربه با خودخواهی و منیت است و آن از مهمترین راههاست بلکه راهی وجود ندارد که برای رسیدن به حق و بدون شروع با این اصل مهم باشد و هر کسی که بخواهد و قصد طی طریق بسوی حق باشد باید از بندهای نفس و خودخواهی رهایی یابد چون بزرگترین دشمن تو نفس توست که در بین دستان توست، و در کتاب متشابهات سید علیه السلام این اصل شناختن را بوسیله یک مثال بیان نموده است و برای محکم نمود جواب آنرا در

احمد الحسن

سوال/ بنام پدر و پسر و روح القدس، مضمون و اهداف دعوت شما چه می باشد؟

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ به کسانی که به اشتباه این حدیث قدسی را برای مردم تفسیر کردند (الصوم لی وانا اجزی به) که در این خصوص فرمودند: (وخواندن صحیح آن این است که من جزای او هستم یعنی حمزه و الف کوچک را مضموم میکند، و منظور از روزه در اینجا: روزه حضرت مریم علیها السلام و یا بیشتر (انی نذرت للرحمن صوما * فلن اکلم الیوم انسیا) سوره مریم آیه ۲۶، یعنی اینکه انسان در این روزه از خلق فراری باشد، و با خداوند انس می گیرد، بلکه این شروع و پایان است که ماحصل آن: اینکه خداوند خود پاداش روزه خواهد بود، و آن روزه گرفتن از خودخواهی و این هنگامی است که بنده خدا بر صراط المستقیم سیر بکند و او میدانند و اعتقاد کامل دارد و می بیند که وجود او فقط بواسطه وجود این شائبه ظلمت و عدم که بانور آمیخته شده است میباشد و این گناهی است که همیشه باینده خدا هست و از او جدا نمی شود) کتاب متشابهات ج ۱/ جواب سوال شماره ۱۳ پس شناخت خداوند بستگی به میزان از بین بردن این شائبه ظلمت دارد، ظلمت خودخواهی که در وجود انسان است، که در این صورت پاداش آن خداوند پاک و منزه است، و کسی که مثال خداوند در روی زمین است حجت و خلیفه خداست، به همین خاطر قول خداوند و من پاداش او هستم: یعنی اینکه شخص رادر ابتدای شروع شناخت خداوند به سوی خلیفه او و حجت او هدایت در روی زمین می کند، بدین خاطر وقتی که حضرت مریم علیها السلام از مردم جدا شده و بین خود و مردم حجابی درست کرد و با عمل خود به جنگ با منیت و خودخواهی برخاست و یا کشتن خودخواهی را شروع کرد در این حال خداوند براو منت گذاشته و نه فقط شناخت خود را به اوداد بلکه قائم آل یعقوب را به او هدیه داد بلکه بصورت ظرفی درآمد که آن قائم را در خود جای دهد تا اینکه در این دنیا متولد شود و آن حضرت عیسی علیه السلام است پس هرکسی که بخواهد به امام زمان خویش که اطاعت او واجب است و حجت خدا باشد برسد واجب است که به چیزی که حضرت مریم به آن عمل نمود عمل نماید بلکه راه دیگری برای شناخت خداوند وجود ندارد.

جواب/ حضرت عیسی علیه السلام فرمود: (فقط غذا به تنهایی انسان را زنده نگه نمی دارد لیکن با کلمه تامله خداوند شخص زنده می ماند) و من بنده خدا به شما می گویم: به وسیله غذا انسان می میرد و با کلمه تامله خداوند زنده می شود.

دعوتهم همانند دعوت حضرت نوح علیه السلام و همانند دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام و همانند دعوت حضرت موسی علیه السلام و همانند دعوت حضرت عیسی علیه السلام و همانند دعوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد، که هدف از آن این است که توحید خداوند در هر نقطه ای از زمین منتشر شود، هدف پیامبران و اوصیاء آن ها همان هدف من است. حقیقت تورات و انجیل و قرآن را روشن سازم و هر چیزی را که در آن اختلاف پیدا کردید، و انحراف علمای یهود و مسیح و مسلمین و خروج آن ها از شریعت الهی را روشن سازم و مخالفت آن ها با وصایای پیامبران: را نیز روشن سازم.

اراده و خواست من همان اراده و خواست خداوند پاک و منزه است و هرچه او بخواهد نیز من آن را می خواهم. چون هر چیزی را که اهل زمین می خواهند حتما خدا آنرا خواسته است تا این که زمین پراز عدل و داد شود بعد از این که پراز ظلم و ستم شده است، تا گرسنگان سیر شوند و فقیران برهنه نمانند تا یتیمان بعد از غم و اندوه طولانی خوشحال شوند و تا اشخاص بی کس با عزت و کرامت حاجت خود را بدست بیاورند و برآورده سازند و تا اینکه.... و تا اینکه.... و تا اینکه در زمین امور مهم شریعت الهی که همانا عدل و ترحم و راستگویی است منطبق و جاری شود.

و تقاضا دارم تا شما اعتقاد خودتان به حضرت عیسی علیه السلام پسر مریم علیه السلام را به طور روشن و واضح و صریح بیان فرمایید. و اعتقاد خودت را با آیاتی از انجیل ثابت و تایید بکنید تا ب راحتی بتوانم حق را برایتان و برای هر کسی که خواستار حق باشد و از دوقیامت صغری و کبری ترس داشته باشد و از معاد و از خداوند پاک و منزه ترس داشته باشد بیان کنم.^(۵)

۵ - برآستی که کیفر و حکم برهرانسان در نتیجه اعمالی که انجام داده است تعیین می شود، و این راهی که سید احمد الحسن علیه السلام آنرا مطرح کرد برای اینکه چیزی را که مکلف به ادای آن است را

به مردم بنمایاند و آن را به آنها برساند و آن اینکه اولاً انتشار توحید و یکتاپرستی باشد و توحید اولین چیزی است که انبیاء با آن آمده اند و اولین شروع در دعوت آنها است چون سید علیه السلام در تفسیر سوره فاتحه مراتب توحید را بیان نمود.

اول: مرتبه کنه و حقیقت واسمی که بر آن دلالت دارد (هو) و دوم: مرتبه ذات الهی واسمی که بر آن دلالت میکند (الله) میباشد و سوم: مرتبه انسان واسمی که بر آن دلالت دارد او (محمد ص) و ما الان مکلف به اثبات توحید در مرتبه انسان هستیم، پس اگر در این مرتبه توحید را ثابت کردیم در دو مرتبه دیگر نیز اثبات خواهد شد یعنی در مرتبه ذات و مرتبه کنه و حقیقت.

مسیحیان (نصاری) در محله نزول از مرتبه ذات به مرتبه انسان خطا کردند و مرتکب اشتباه شدند، و به تجسد و تجسم اعتقاد پیدا کردند و معتقد بودند که عیسی علیه السلام خداست، به همین خاطر از مهمترین لازمه توحید در مرتبه انسان: اقرار به قبول آنکه خداوند او را تنصیب نموده و اطاعت از آن است چون شرک در اینجا یعنی انتخاب آنکه خداوند او را تنصیب نکرده است میباشد، و کفر: اعتراض به دستور و امر خداوند پاک و منزه است و به این خاطر است که توحید در مرتبه انسان ثابت می شود آنهم در موقعی که با راه و روش خداوند تطابق داشته باشد و راه و روش خداوند کتابهای آسمانی اوست و تمام کننده کتابهای او که جامع همه آنهاست که قرآن کریم می باشد.

و براسی تمامیت توحید برای کسی که خود قرآن بشود ثابت میشود یعنی برای کسی که تمام قرآن را بر خود منطبق سازد، همانطوری که برای رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که برای او فتح حاصل شد و او قرآن شد، همانطوری که سید احمد الحسن علیه السلام فرمود، و این اولین هدف سید علیه السلام می باشد و بدین طریق برای عده زیادی از مردم که ایمان آوردند شناخته شد، و بدین طریق حق از باطل قابل تمیز خواهند شد، و حضرت عیسی علیه السلام از این طریق یک راهی برای استدلال برای حق ارائه داد بطوری که فرمود (از پیامبران دروغین بر حذر باشید که آنها به صورت ظاهری فریبنده بسوی شما می آیند ولی در درون چون گرگهای درنده هستند، و آنها را از عملکردشان تشخیص می دهید و هیچ کس انتظار ندارد که از بوته خار انگور بچیند و نیز انتظار ندارد که از علوفه انجیر بچیند، و به همین خاطر هر درخت نیک ثمره نیک خواهد داد و هر درخت پست ثمره پست خواهد داد، و درخت نیک نمی تواند ثمره و میوه بد و پست بدهد و نه درخت پست نیز نمی تواند ثمره و میوه نیک و خوب بدهد،

احمد الحسن

سوال/ به نام پدر، پسر و روح القدس، چگونه شما می گوید که حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان ظاهر می شود و پشت سر شخصی که شما می گوید پیامبر نیست نماز می خواند و نام او محمد المهدی است آیا این عجیب نیست؟ و چگونه یک پیامبر پشت سر کسی که پیامبر نیست نماز می خواند؟

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

جواب/ خواهر گرامی: نماز حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام دو احتمال دارد.:

احتمال اول: این که امام مهدی علیه السلام بهتر و افضل تر از حضرت عیسی علیه السلام باشد. که قاعدتا" اگرین احتمال درست باشد پس باید امام مهدی علیه السلام مقام نبوت داشته باشد. که در این صورت در خصوص سوالی که گفتید جای هیچ اشکالی وجود ندارد ^(۶). و حتی اگر

وهر درختی که ثمره و میوه خوب و نیک نداشته باشد آنرا قطع می کنند و در آتش می اندازند، و بدین طریق پیامبران دروغین را از ثمره آنها تشخیص خواهید داد) انجیل متی اصحاح ۷.

به همین دلیل همه کسانی که به آنچه حضرت عیسی مسیح آورده است ایمان داشته باشند حق را از باطل تشخیص می دهند، و به این قاعده و دلیل عمل خواهد کرد، و اگر توحید در یک اجتماع معینی ثابت شد امنیت و امان برقرار می شود و صلح و سلام عمومیت پیدا می کند، چون همه تناقضات بدلیل عدم توافق بوجود آمده از مراتب و تمایز بین موجودات در عالم دنیوی است، و اگر مراتب تناقض بین مردم کم شود و ازین برود دوستی و الفت بجای تناقض و دشمنی قرار می گیرد، و این بدست نمی آید مگر با سیر و راه رفتن در مسیر توحید.

۶ - امام مهدی علیه السلام یکی از حجت‌های خداوند برطبق آنچه که از گفته های پیامبران است می باشد، چه در تورات و یا انجیل و یا قرآن نوشته شده باشد، همانطور یکه سید احمد الحسن علیه السلام در این کتاب و در کتابهای دیگری که منتشر شد گفته است، بطوریکه کتابهای مقدس برخلفای دوازده نفر که حکومت میکنند مطالب زیادی نوشته است، و آنها کسانی هستند که حکومت کرده

ومالک زمین می شوند، و عدالت خداوند برپا نمی شود مگر بوسیله آنها، و عدالت الهی تاکنون بر روی زمین متحقق نگردیده است، و باتوجه به اینکه پیامبران و یا خاتم پیامبران و آن محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است پس اینها دوازده خلیفه هستند که بعد از امامان می آیند، و دوازده نفر خلیفه از مهدیین هستند که از طریق رسول الله صلی الله علیه و آله بر آنها نص صریح شده است و آنها را شناختیم، و این همان است که شریعت مقدس رسول خدا بر آن تاکید نمود، و باتوجه به اینکه نبوت منقطع شده است یعنی مصداق آن منقطع شده است و اما بعنوان مقام نبوت و آن استمرار دارد و برای هر کسی که شناخت حجت خدا بوسیله نص صریح خداوند یا خلیفه او راقبول داشته باشد ثابت شده است، چون خلافت بعنوان امام و یا نبی بوجود می آید، و هرکس که دارای مقام امام باشد مقام نبوت برای او موجود است، ولی هرکس مقام نبوت داشته باشد ممکن است که مقام امامت برای او ثابت نشده باشد، و این همان چیزی است که قرآن کریم بیان نموده است خداوند می فرماید: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) البقرة: ۱۲۴. و ابراهیم پیامبر است ولیکن خداوند پاک و منزه بر او منت گذاشته مقام امامت را به او داد آنهم بعد از اینکه در آزمونی که خداوند بر او مقرر کرده بود قبول شد. و سید احمد الحسن علیه السلام امامت را تعریف نمود که (امامت یعنی تسلط و برعوامل بالایی و پایینی با اذن خداوند است و فرماندهی سپاه خداوند در این عوالم و تصرف و استفاده در این عوالم، و ممکن نیست که انسان مقام امامت ردا داشته باشد قبل از اینکه مقام نبوت را داشته باشد) الجواب المنیر: ج ۲ جواب سوال شماره ۷.

و باتوجه به اینکه مقام امامت نه در انجیل و نه در قرآن برای حضرت عیسی علیه السلام ثابت نشده است ولی مقام نبوت و رسالت برای او ثابت شد و امام مهدی علیه السلام مقام امامت بوسیله احادیث ذکر شده از رسول الله صلی الله علیه و آله برای او ثابت شده است چون او یکی از دوازده امام می باشد و همانطور که گفتیم هرکس که مقام امامت برای او ثابت شده باشد مقام نبوت نیز را دارد و مقام امامت بالاتر از مقام نبوت است.

سید احمد الحسن می فرماید: والان برمی گردیم به بحث اینکه حضرت محمد خاتم پیامبران و خاتم آنهاست، و او که صلوات خداوند بر او باد آخرین پیامبران که از سوی خداوند فرستاده شده اند می باشد، و رسالت او و کتاب او قرآن و شریعت او تا روز قیامت باقی خواهد بود، و بعد از اسلام دین

دیگری بوجود نخواهد آمد (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) آل عمران ۸۵ ولی مقام نبوت برای بنی آدم مفتوح می باشد، پس هرکس از مومنان که در برابر خداوند در عمل خود و در عبادت خود اخلاص داشته باشد می تواند به مقام نبوت برسد، همانطوریکه راه وصول وحی خداوند به بنی آدم که همان خواجهای صادقه میباشد مفتوح مانده است و این ملموس و موجود در عالم واقع می باشد.

و اما فرستادن پیامبران یعنی فرستادن کسی که به مقام نبوت رسیده است از جانب خداوند پاک و منزّه می باشد حال چه اینکه از شریعت محمد ﷺ حمایت و دفاع بکنند و یا دین جدیدی را بوجود بیاورند که این وجود ندارد و این همان چیزی که خداوند آنرا با بعثت رسول خدا خاتمه داده است. ولیکن بعد از بعثت رسول خدا دوباره تجدید شده و آن اموری چون: انسان کامل و خلیفه خدا، و ظهور خدا در فاران و صورت و تجلی لاهوت، و امر فرستادن رسول از محمد ﷺ رسول الله و همه امامان فرستاده ای بسوی این مردم هستند ولیکن از محمد ﷺ فرستاده شدند که تجلی خداوند در بین مخلوقات است. خداوند فرمود: (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) یونس: ۴۷.

از جابر، به نقل از ابی جعفر العلیّیّ گفت: در باره تفسیر این آیه از ایشان پرسیدم (لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) فرمود العلیّیّ: (تفسیرها بالباطن، أن لكل قرن من هذه الأمة رسولا من آل محمد، يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، و هم الأولياء و آنها پیامبران هستند، و أما فرمایش: (فإذا جاء رسولهم قضي بينهم بالقسط)، فرمود که معنی آن اینکه پیامبران با عدل و داد قضاوت میکنند و بر کسی ظلم نمی کنند همانطوریکه خداوند فرموده است. و خداوند فرمود: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) الرعد: ۷.

از فضیل گفت از امام صادق العلیّیّ در باره آیه و لكل قوم هاد سوال کردم فرمود: هر امامی هدایتگر است برای مردمی که در زمان خودش باشند.

من هم به این احتمال اعتقاد داشته با شم ولی احتمال دوم را نیز مطرح کرده و به آن جواب خواهم داد.

احتمال دوم: این که حضرت عیسی علیه السلام افضل تر از امام مهدی علیه السلام باشد که در این حال اشکالی در خصوص چیزی که شما مطرح کردید وجود دارد که آن هم در دایره بحث در خصوص حق و حقیقت است.

و جواب دو کتاب انجیل و تورات و یا عهد جدید و عهد قدیم موجود است همان طوری که در قرآن نیز موجود است. و از تورات (عهد قدیم) قصه شاول (طالبوت) و داوود علیه السلام را برایت انتخاب می کنم که داوود پیامبری از پیامبران الهی بود و از طالبوت افضل تر بود. با این حال حضرت داوود علیه السلام ابتدا یک سرباز در لشکر طالبوت بود و به دستورات او عمل

از ابی جعفر علیه السلام درباره قول خداوند که **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ** فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیم دهنده است و در هر زمانی یکی از ما هدایتگر است بسوی چیزی که رسول خدا آورده است سپس هدایتگر بعد از او علی علیه السلام است سپس اوصیاء یکی بعد از یکی).

از ابی بصیر گفت از ابی عبدالله علیه السلام گفتم: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ** فرمود: رسول خدا بیم دهنده است و علی علیه السلام هدایتگر است - ای اباحمد آیا امروز هدایتگری وجود دارد؟ پس گفتم بله فدایت شوم، همیشه از شما هدایتگر بهداز هدایتگر وجود دارد تا اینکه به شما رسیده است پس فرمود: خداوند تو را مورد رحمت قرار دهد اگر هر آیه ای بر شخصی نازل شود و آن شخص بمیرد آن آیه نیز بمیرد در این صورت قرآن هم می میرد ولیکن قرآن زنده است و در کسی که مانده است جریان می یابد همانطوریکه در قبل از آن جریان یافته بود.

از ابی جعفر درباره قول خداوند تبارک و تعالی آمده است که **(إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)** فرمود: رسول الله بیم دهنده و علی علیه السلام هدایتگر است ولی بخدا قسم که این از ما نرفته است (هدایتگری) و همچنان در ما وجود دارد تا روز قیامت.

پس آنها علیه السلام فرستادگانی هدایتگر از سوی محمد صلی الله علیه و آله رسول الله و بسوی محمد هستند و همچنین همه آنها که صلوات خداوند بر آنها باد دارای مقام نبوت هستند بلکه شرط اول فرستادن که تغییر نمی یابد و آن تمامیت عقل است که باید به مقام آسمان هفتم کلی که آسمان عقل است رسید) کتاب نبوت خاتمه ص ۲۷.

می کرد و از او پیروی می کرد چون طالوت (شائول) پادشاهی است که به دستور خداوند پاک و منزه و بلند مرتبه تعیین شده بود پس داوود جالوت را در موقعی که سرپازی از سربازان طالوت بود به قتل رساند. (صموئیل اول - اصحاح ۱۷) در تورات و قصه طالوت در قرآن را نیز بخوان. ^(۷) و ^(۸)

۷ - کتاب عهد جدید و قدیم: ج ۱ ص ۴۵۳، اصحاح ۱۷: (فلسطینیها لشکر خود را برای جنگ آماده کرده در سوکوه که در یهودا است جمع شدند و در میان سوکوه و عزریقه، در افس دمیم اردو زدند شائول و مردان اسرائیل نیز در دره ایلاه جمع شده در مقابل فلسطینیها صف آرایی کردند به این ترتیب، نیروهای فلسطینی و اسرائیلی در دو طرف دره در مقابل هم قرار گرفتند. از اردوی فلسطینی ها پهلوانی از اهالی جت به نام جلیات برای مبارزه با اسرائیلی های بیرون آمد و او به سه متر می رسید و کلاه خودی مفرغی بر سر وزره ای مفرغی برتن داشت. وزن زره اش در حدود پنجاه و هفت کیلو بود پاهایش با ساق بندهای مفرغی پوشیده شده و زوبین مفرغی بر پشتش آویزان بود چوب نیزه اش به کلفتی چوب نسا جان بود سر نیزه آهنی او حدود هفت کیلو وزن داشت یک سرباز جلوی او راه می رفت و سپر او را حمل می کرد.

جلیات ایستاد و اسرائیلی ها را صد از دوگفت: چرا برای جنگ صف آرایی کرده اید؟ ای نوکران شائول من از طرف فلسطینی ها آمده ام پس یک نفر را از طرف خود انتخاب کنی و بیه میدان بفرستی تا با هم مبارزه کنی ما اگر او توانست مرا شکست داده بکشد آنوقت سربازان ما تسلیم میشوند اما اگر من او را کشتم شما باید تسلیم شوید من امروز نیروهای اسرائیل را به مبارزه می طلبم یک مرد بفرستی تا با من بجنگد وقتی شائول و سپاهیان اسرائیل این را شنیدند بسیار ترسیدند داوود هفت برادر بزرگ تر از خود داشت پدر داوود که اینک پیرو ساخورد شده بود از اهالی افراته واقع در بیت لحم یهودا بود سه برادر بزرگ داوود الیاب، ایناداب و شماه بودند که همراه شائول به جنگ رفته بودند داوود کوچکترین پسر یسی بود و گاهی از نزد شائول به بیت لحم می رفت تا گوسفندان پدرش را بچراند.

آن فلسطینی هر روز صبح و عصر به مدت چهل روز به میدان می آمد و در مقابل اسرائیلی ها رجز خوانی می کرد. روزی یسی به داوود گفت: این ده کیلو غله برشته و ده نان را بگیر و برای برادرانت به اردوگاه ببر این ده تکه پنیر را هم به فرمانده آنان بده و پرسکه حال برادرانت چطور

است و خبر سلامتی ایشان را برای ما بیاور آنها همراه شائول و جنگجویان اسرائیل در دره ایلاه علیه فلسطینی ها می جنگند.

داوود صبح زود برخاست وگوسفندان پدرش رابه دست چوپانی دیگر سپرد و خود آذوقه را برداشته عازم اردوگاه اسرائیل شد اودرست همان موقعی که سپاه اسرائیل فریاد میزد و شعار جنگی میگفتند به کنار اردوگاه رسید طولی نکشید که نیروهای متخاصم درمقابل یکدیگر قرار گرفتند داوود آنچه با خود داشت به افسر تدارکات تحویل داد و به میان سپاهیان آمد و برادرانش را پیدا کرده از احوال آنها جويا شد داوود در حالی که با برادرانش صحبت می کرد چشمش به آن پهلوان فلسطینی جلیات افتاد او از لشکر فلسطینی ها بیرون آمده مثل دفعات پیش مشغول رجز خوانی بود اسرائیلی ها چون او را دیدند از ترس پایه فرار گذاشتند آنها به یکدیگر می گفتند ببینید این مرد چطور مارا به عذاب آورده است پادشاه به کسی که او را بکشد پاداش بزرگی خواهد داد دخترش را هم به عقد او در خواهد آورد و خانواده اش را نیز از پرداخت مالیات معاف خواهد کرد. داوود به کسانی که در آنجا ایستاده بودند گفت: این فلسطینی بت پرست کیست که این چنین به سپاهیان خدای زنده توهین می کند به کسی که این پهلوان را بکشد و اسرائیل را از این رسوایی برهاند چه پاداشی داده خواهد شد؟ آنها گفتند که چه پاداشی داده خواهد شد.

اما چون الیاب برادر بزرگ داوود گفتگوی او را با آن مردان شنید عصبانی شده و به داوود گفت: تو در اینجا چکار می کنی؟ چه کسی از گوسفندهایت در صحرا مراقبت می کند تو به بهانه تماشای میدان جنگ به اینجا آمده ای. داوود در جواب برادرش گفت: مگر من چکار کرده ام؟ آیا حق حرف زدن هم ندارم؟ بعد نزد عده ای دیگر رفت و از آنان نیز همان سوال را کرد و همان پاسخ را شنید. وقتی صحبتهای داوود به گوش شائول رسید او را به نزد خود احضار نمود داوود به شائول گفت: هیچ نگران نباشید این غلامتان می رود و با آن فلسطینی می جنگد شائول گفت: چگونه می توانی با او بجنگی؟ تو جوان و بی تجربه هستی ولی او از زمان جوانی اش مرد جنگی بوده است.

اما داوود گفت: وقتی من گله پدرم را می چرانم و شیری یا خرسی می آید تا بره ای را از گله ببرد دنبالش می کنم و بره را از دهانش می گیرم و اگر به من حمله کند گلویش را می گیرم و آنقدر میزنم تا بمیرد غلامت هم شیر کشته است و هم خرس. این فلسطینی بت پرست را هم که به سپاهیان خدای زنده توهین می کند مثل آنها خواهم کشت خداوند مرا از دهان شیر واز چنگ خرس رهانید از

دست این مرد نیز نجات خواهد داد. سرانجام شائول راضی شد و گفت: بسیار خوب برو خداوند به همراهت. پس شائول لباس جنگی خود را به او داد. داوود کلاه خود مفرغی را بر سر گذاشت و زره را بر تن کرد سپس شمشیر را به کمر بست و چند قدم راه رفت تا آنها را امتحان کند. ولی دیده زحمت می تواند حرکت کند او به شائول گفت به این لباسها عادت ندارم با اینها نمی توانم راه بروم پس آنها را از تن خود به بیرون آورد آنگاه پنج سنگ صاف از کنار رودخانه برداشت و در کیسه چوپانی خود گذاشت و چوبدستی و فلاخن را بدست گرفته به سراغ آن فلسطینی رفت جلیات در حالی که سرپازی سپر او را پیشاپیش او حمل می کرد به داوود نزدیک شد داوود را برانداز کرد و دید که پسر ظریفی بیش نیست او را مسخره کرد و گفت: مگر من سگ هستم که با چوبدستی پیش من آمده ای؟ بعد به نام خدایان خود، داوود را نفرین کرد سپس به داوود گفت: جلو بیا تا گوشت بدنت را خوراک پرندگان و درندگان صحرا بکنم. داوود گفت: تو با شمشیر و نیزه و زوبین به جنگ من می آیی اما من به نام خداوند قادر متعال یعنی خدای اسرائیل که تو به او توهین کرده ای با تو می جنگم. امروز خداوند تورا به دست من خواهد داد و من سر تورا خواهم برید و لاشه سپاهیان را خوراک پرندگان و درندگان صحرا خواهم ساخت به این وسیله تمام مردم جهان خواهند دانست که در اسرائیل خدایی هست و همه کسانی که در اینجا هستند خواهند دید که خداوند برای پیروز شدن نیازی به شمشیر و نیزه ندارد در این جنگ خداوند پیروز است و او شمارا به دست ما تسلیم خواهد نمود. داوود وقتی دید جلیات نزدیک میشود بسرعت به طرف او دوید و دست به داخل کیسه اش برد و سنگی برداشته در فلاخن گذاشت و به طرف جلیات نشانه رفت سنگ درست به پیشانی جلیات فرو رفت و او را نقش زمین ساخت بدین ترتیب داوود بایک فلاخن و یک سنگ آن فلسطینی را کشت و چون شمشیری در دست نداشت دویده، شمشیر او را از غلافش بیرون کشید و با آن سرش را از تن جدا کرد فلسطینی ها چون پهلوان خود را کشته دیدند برگشته پایه فرار گذاشتند. اسرائیلیها وقتی وضع را چنین دیدند بر فلسطینی ها یورش بردند و تا جت و دروازه های عقرون آنها را تعقیب کردند و کشتند بطوریکه سراسر جاده ای که به شعریم می رود از لاشه های فلسطینی ها پر شد بعد اسرائیلیها برگشته اردوگاه فلسطینیها را غارت کردند داوود هم سر بریده جلیات را به اورشلیم برد ولی اسلحه او را در خیمه خود نگاه داشت. وقتی داوود به جنگ جلیات می رفت شائول از ابنیر فرمانده سپاه خود این جوان کیست؟ ابنیر گفت به جان تو قسم نمی دانم.

و اما از انجیل (عهد جدید) قصه حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی (یوحنا) را برای انتخاب می کنم که عیسی افضل تر از حضرت یحیی بود با این حال حضرت عیسی علیه السلام برای غسل تعمید به نزد حضرت یحیی آمد با وجود این که این امر (تعمید) طهارت و تزکیه و تقدس را بیان می نماید و در این مقام حضرت یحیی خود را حجت خدا بر حضرت عیسی علیه السلام نشان داد یعنی حضرت یحیی مثال حجت خدا بر عیسی علیه السلام شد.

در انجیل متی اصحاب سوم آمده است (در این حال عیسی از شهر جلیل به اردن آمد تا حضرت یحیی او را غسل تعمید دهد ولیکن حضرت یحیی او را از این کار منع کرد و به او گفت: این کار شایسته نیست، این منم که باید از تو تعمید بگیرم. اما عیسی گفت مرا تعمید بده زیرا این چنین حکم خدا را بجا می آوریم فلذا حضرت یحیی قبول کرد و پس از

شائول گفت: پس برو بین این پسر کیست؟ بعد از آنکه داوود جلیات را کشت ابنیر او را در حالیکه سر جلیات در دستش بود نزد شائول آورد شائول پرسید: ای جوان تو پسر کیستی؟ پسر غلامت یسی بیت لحمی.

۸ - قال تعالی: (أَلَمْ تَر إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ هُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامنا وَانصُرنا على القوم الكافرين * فَهَرَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ) البقرة: ۲۴۶ - ۲۵۱.

تعمید در همان لحظه حضرت عیسی از آب خارج شد و آسمان برای او باز شد و حضرت یحیی روح خدا را دید که همچون کبوتری به سوی حضرت عیسی آمد.^(۹)

در دو حالت حضرت داوود علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام افضل تر از حضرت یحیی علیه السلام و طالوت علیه السلام بودند.^(۱۰) وستایش مخصوص خداست

۹ - عهد جدید: ۱۳-۱۶.

۱۰ - به راستی که خداوند پاک و منزّه ازین بندگان خود پیامبران را انتخاب کرد لیکن خداوند بر آنها منت گذاشته و آنها را حجت‌های خداوند بر بقیه مردم قرار داد. و اطاعت از آنها را بر همه مردم ملزم کرد. ولیکن بعد از اینکه بر آنها فیض و رحمت خود را سرازیر میکند حجیت آنها را واجب می‌کند. و هر پیامبری از پیامبران یک مدت زمانی را در بین قوم خود با اخلاق حسنه و نیکو زندگی می‌کند. ولی ایجاد حجیت او بعد از مدت زمانی که خداوند به او امر کرد که به مردم آن را اعلام بکند ملزم و واجب می‌شود. و این اعلام به مردم همزمان با نزول روح و امر خداوند بر او می‌باشد. و این چیزی است که برای حضرت عیسی علیه السلام بوجود آمد در حالی که یوحنا (یحیی) بر او حجت بود. ولیکن بعد از اینکه توسط یحیی غسل تعمید داده شد و از آب خارج شد آنگاه آن روح بر او نازل شده و حجیت او بر مردم جهان را به او داد. و حتی پیامبر خدا یحیی نیز دلیل شناخت او از عیسی این بود که دید روح خدا بر او نازل شد. انجیل یوحنا: (و یحیی دید و گفت: من روح خدا را دیدم که به شکل کبوتری از آسمان آمد و بر عیسی قرار گرفت همانطور که گفتم من نیز او را نمی‌شناختم ولی وقتی خدا مرا فرستاد تا مردم را غسل تعمید دهم در همان وقت به من فرمود: هرگاه دیدی روح خدا از آسمان آمد و بر کسی قرار گرفت بدان که او همان است که منتظرش هستی اوست که مردم را با روح القدس تعمید خواهد داد و چون من با چشم خود این را دیدم شهادت می‌دهم که او فرزند خداست.

پس انسان در تلاش برای بدست آوردن کمالات الهی باید باشد. و خداوند اخلاص آنها نسبت به او را دیده است و بر آنها به اندازه اخلاصشان برای او منت گذاشت و از آن روح به مقدار اخلاصشان بر آنها فیض الهی را نازل می‌کند. و برتری حاصل شده برای پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش بخاطر این مقدار اخلاص آنهاست که خدا عظیمترین موارد این روح و این فیض الهی را بر آنها نازل کرد.

احمد الحسن

سوال/ سلام و درود نیک و خوب به سید احمد الحسن. سلام علیکم همه جوابهای شما بدست من رسید سپاسگزارم و خیلی ممنون هستم که این قدر برای سوالات من اهمیت می دهید ولیکن یک چیز مهمی مرا متحیر کرده است و آن این که شما از من در خصوص سطح سواد و سطح دین داری خود از من سوال نمودید و خود شما گفتید (من از اهل انجیل به آن آگاهترم و از اهل تورات به آن آگاهترم و از اهل قرآن به آن آگاهترم و غیره... الخ) پس چگونه امام شما در مورد این که سطح سواد و سطح دین من چیزی به شما نگفته است تا برای امثال من صحت گفته هایتان را ثابت کنید جواب چیست؟ همراه با تشکر و تقدیر و احترام و علاقه من به شما انشاءالله خداوند نگهدار شما باشد.

Reta Jorj - زن مسیحی

سید احمد الحسن علیه السلام در تعریف این روح می فرماید: روح القدس همانا روح طهارت و عصمت است. پس اگر بنده ای با نیت خالصانه متوجه خداوند پاک و منزّه گردید، و وجه الله یا خدای خویش را خواستار باشد، خداوند او را دوست داشته فرشته ای را مأمور برای او می گذارد تا او را به سوی خیر و صلاح هدایت نموده و از هر بدی و شرارت خارج می نماید و راه کسب کاملترین اصول اخلاق و کمال را با او طی می کند، و روح القدس واسطه ای برای انتقال علم و دانش برای انسانی که به آن مأمور شده است می باشد. و ارواح القدس زیاد هستند و یکی نیست، و روح القدس که همراه حضرت عیسی علیه السلام بود و همراه پیامبران دیگر بود پایین تر از روح القدس که با محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت علی و فاطمه علیهما السلام و امامان: بود میباشد. و این همان روح القدس عظیم و بزرگ است که به همراه هیچکس پایین نمی آید مگر با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و بعد از وفات او به علی علیه السلام و سپس به فاطمه علیهما السلام سپس به امامان: سپس بعد از اینها به مهدیین دوازده نفر، منتقل شده است. به نقل از ابی بصیر گفت: از ابا عبدالله علیه السلام در خصوص فرمایش خداوند تبارک و تعالی سوال کردم: **(وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ)** شوری ۵۲، فرمود: موجودی از مخلوقات خداوند که از جبرئیل و میکائیل بزرگتر می باشد که همراه با رسول خدا بود که اخبار را به او می داد و او را کمک و یاری می کرد که بعد از رسول خدا همراه با امامان بوده است) کتاب متشابهات: ج ۳/ جواب سوال شماره ۱۱۸.

۱۴۲۶ هـ ق

جواب/ (کاهنان اعظم و سران قوم نیز او را مسخره کرده می گفتند: دیگران را نجات می دادولی نهی تواند خود را نجات دهد، تو که ادعا می کردی پادشاه یهود هستی چرا از صلیب پایین نهی آبی تا به تو ایمان آوریم؟ تو که می گفتی به خدا توکل داری پس چرا خدا نجات نهی دهد؟) ^(۱۱) ^(۱۲) و آیا کسی که که به حضرت موسی علیه السلام نگاه می کرد نهی داند که

۱۱ - انجیل متی اصحاح ۲۷: ۴۱-۴۲، انجیل مرقس اصحاح ۱۵: ۳۱-۳۲

۱۲ - عادات و عقاید عموم مردم یکی است و این چیزی است که سنت های کسانی که قبل از آنها بوده اند می باشد، و برآستی که دیگران بر طریق و راه کسانی که قبل از آنها بوده اند سیر می کنند و آنها پیامبران را مسخره میکردند، چون نفس آنها به چیزهایی تعلق دارد که از حقیقت خیلی دور است، و می خواهند که پیامبران خدا را هم با این چیزها متعلق کرده با خود همراه کنند در حالی که پیامبران از طرف خدا مأمور ند به اینکه با آنها در این امور همراه نشوند. چون نمی توان بوسیله باطل حق را ثابت کرد یعنی نمی توان با استدلال باطل حق را ثابت کرد و حق نیز بوسیله باطل شناخته نمی شود، بدین خاطر پیامبران به رساندن چیزی که از سوی خدا به آن مأمور شده اند مکلف هستند بدون اینکه آنرا کم یا زیاد بکنند، و اما اضافه کردن چیزی که مردم از آنها بخواهند بر او امر الهی که به آن مکلف شده اند از جمله افراد جاهل در این حال پیامبران اصلاً این را قبول نکرده و حرف این جاهلان را قبول نمی نمایند، و آنها عموم مردم را به سعی و تلاش در خصوص چیزی که خدا به آنها رسانده است تشویق می نمایند و بوسیله اسباب و راههایی که در اختیار دارند یاد می دهند و نه بوسیله راههای سخت و مشکل چون بکار بردن معجزه در قبال سعی و تلاشی که انجام می دهند. چون اگر معجزه اساس یک دعوت باشد در این صورت انسان مأمور و مجبور است و مختار نمی باشد و در نهایت امتحان باطل می شود و مجازات و پاداش نیز باطل می شود. سپس انسان در مسیر ایمان به خدا با مشکلات و امتحانات زیادی مواجه می شود و این در مسیر اشخاص مومن بسوی خدا خیلی واضح و روشن است. چون هرکسی از آنها ایمان بیشتری داشته باشد امتحانات او نیز بیشتر خواهد بود و بوسیله امتحان خداوند از بندگان خود گناهان را دفع می نماید پس مصیبت های یک قوم برای قوم دیگر فواید زیادی دارد. و خداوند می فرماید: (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ

بَعْضٍ هَدَمْتُ صَوَامِعَ وَيَبِيعُ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحج: ۴۰).

به همین خاطر وقتی که انسان اموری را که به او تأویل میشوند ممکن است یا بلکه اکیدا" این امورات را انجام نمی دهد، و ممکن است که خیلی از اموری که در علم خداوند وجود دارند خیلی ضروری باشند، و وقوع آنها در عالم امکان و ماده ضروری باشد، ولی از سوی انسان ممکن است با کراهت مواجه شود یعنی برخلاف میل او باشد و هر امر مکروه و دوست نداشتنی از جانب انسان پیگیری آن و سیر در مسیر تحقق آن ممکن نیست به همین خاطر این امور غیبی از سوی خلیفه خدا بر روی زمین صادر نخواهد شد مگر اینکه در موقعیت ضروری قرار گیرد، و به همین خاطر برای اصحاب امیر المومنین جای شک و تردید بوجود آمد که آنها شیئی از علم امیر المومنین را شناختند. ولی آنها در بعضی از موارد دچار اکراه شده بودند. به نقل از ابی بصیر گفت از ابی عبدالله سوال کردم (از چه طریقی اصحاب امام علی علیه السلام علم به ساعت وفات و یا امتحانات خود حصول یافتند؟ گفت: پس با حالت شبیه به عصبانیت به من جواب داد از چه کسی آن امر است مگر غیر از خود آنهاست پس گفتم: جانم به فدایت چه چیزی مانع شما شده است؟ فرمود: این دری است که بسته شده و مگر حسین بن علی علیه السلام که شیئی آسان و کمی از آن را باز نمود. سپس فرمود: ای ابا محمد آنها بر روی دهانهایشان.....) الزام الناصب ص ۳۹

سپس کارهایی که از طریق معجزه انجام می شود، همچون احضار شیاطین و یا پیشگویی و غیره... ، از ضروریات نیست که از طریق آنها رضای خداوند استدلال شود، یا بعبارتی دیگر انسان دارای مقام قرب الهی است، و او حجتی از حجت‌های خداوند است، و این همان چیزی است که حضرت عیسی علیه السلام به آن اشاره نمود. (گمان نکنید هر که خود را مومن نبهشت خواهددرفت ممکن است عده ای حتی مرا خداوند خطاب کنند اما به حضور خدا راه نیابند فقط آنانی می توانند به حضور خدا برسند که اراده او را بجا آورند. در روز قیامت بسیاری نزد من آمده خواهند گفت: خداوندا، خداوندا ما پیغام تو را به مردم دادیم و باذکر نام تو ارواح ناپاک را از وجود افراد بیرون کردیم و معجزات بزرگ دیگر انجام دادیم ولی من جواب خواهم داد: من اصلا" شمارا نمی شناسم از من دور شوید ای بدکاران.) انجیل متی اصحاح ۷

حضرت موسی علیه السلام چه چیزی در دست دارد پس چگونه خداوند سبحان و پاک و منزّه نعی داند و چرا از او سوال کرد که چه چیزی در دست توست ای موسی؟

احمد الحسن

سوال/ آیا ممکن است قوای دیگری بر قوه وهی و خیالی شما مسلط شده و این احساس را برای شما بوجود آورده است؟

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

جواب/ حضرت عیسی علیه السلام گفت: (هرکس از خدا باشد کلام خدا را می شنود و چون شما گوش فرا نعی دهید بنابراین ثابت می کنید که از خدا نیستید پس سران و بزرگان قوم یهود فریاد زده گفتند: ای سامری اجنبی ما از ابتدا درست می گفتیم که تو دیوانه ای و حضرت عیسی علیه السلام جواب داد: من دیوانه نیستم ولیکن به پدرم احترام می گذارم ولی شما به من بی احترامی می کنید، با این که من نعی خواهم که خود را بزرگ جلوه دهم، خدا مرا بزرگ می کند این که من می گویم عین حقیقت است هر که احکام مرا اطاعت کند هرگز نخواهد مرد) (۱۳) (۱۴)

وعیسی علیه السلام با قول خود عمل آن اشخاص را انکار می کند و قبول ندارد با وجود اینکه آنها ادعا می کنند که بر ملت او و بر شریعت او هستند و آنها به این کرامات و معجزات که به اسم او بر مردم انجام می دادند نیز بر او احتجاج کردند به اینکه اینها دلیلی هستند که آنها از مومنان هستند ولی او از آنها قبول نمی کند و آنها و بر آنها حکم نمود بر اینکه این عمل آنها شر و شیطانی است.

۱۳ - خداوند می فرماید: (وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى * قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى) طه: ۱۷ - ۱۸.

۱۴ - انجیل یوحنا: اصحاب هشتم .

۱ - علمای یهود (لعنت خدا بر آنها باد) خواستند که عدم ایمان خود به مسیح را توجیه کنند و این اتهامات را به او زدند چون معجزات و کرامات زیادی بدست او بوجود آمد و ظاهر شد بلکه

احمد الحسن

حضرت عیسی علیه السلام این طریق را برای هدایت مردم بکار برد و او معجزات و کرامات را برای آنها انجام داد بلکه او حتی شاگردانش را برای انجام این معجزات و ادار و تشویق می کرد و وقتی که تقصیر و کم کاری آنها در انجام این معجزات را می دید آنها را به این امر آگاه می کرد و به آنها می گفت: ای کم ایمانها.

(ناگهان دریاچه طوفانی شد بطوری که ارتفاع امواج از قایق نیز می گذشت و آب به داخل آن می ریخت اما عیسی علیه السلام در خواب بود. شاگردانش به او نزدیک شدند و بیدارش کرده فریاد زدند استاد به دادما برسید، غرق می شویم عیسی به آنها گفت: ای کم ایمانان چرا می ترسید؟ سپس برخاست و فرمان داد تا باد و طوفان آرام گیرد آنگاه آرامش کامل پدید آمد) انجیل متی اصحاح ۸

و با همه اینها وزیادی این اعمال و تاکید حضرت عیسی بر آنها ولیکن مردم او را انکار کرده و عمل او را به شیطان نسبت می دهند. ولیکن نکته تمیز اینکه این عمل او از شیطان است یا از عمل خداوند رحمان است در نتیجه این عمل حاصل می شود. آیا از این اعمال او خیر و نیکی حاصل شد یا ضرر و شر؟ چون عمل انسان اگر سبب برطرف شدن مانع از او و دفاع ضرر باشد این از عمل شیطان نمی تواند باشد و عمل انسان و آثار آن تنها دلیلی می ماند که می تواند مبنای شناخت او و حکم و قضاوت بر او قرار گیرد. و این چیزی است که حضرت عیسی علیه السلام در جواب کسانی که بر او اعتراض میکردند به آنها داد. (نزدیکان او باشنیدن این خبر آمدند تا او را به خانه ببرند چون فکر می کردند عقلش را از دست داده است. عده ای از علمای دینی نیز که از اورشلیم آمده بودند می گفتند: شیطان که رئیس ارواح ناپاک است به جلدش رفته و به همین دلیل روحهای ناپاک از او فرمان می برند. عیسی ایشان را خواست و به آنها گفت: چگونه ممکن است شیطان خودش را بیرون براند؟ مملکتی که بین مردمش دو دستگی ایجاد شود نابود می شود خانواده ای که بین اعضایش تفرقه باشد از هم می پاشد و اگر شیطان با خودش می جنگد قادر به انجام هیچ کاری نبوده تا بحال نابود شده بود در واقع کسی نمیتواند وارد خانه شخصی نیرومند شود و دارایی و اموالش را غارت کند مگر اینکه اول آن شخص را ببندد و بعد به غارت پردازد و عین حقیقت را به شما می گویم که هر گناهی که انسان مرتکب شود قابل بخشش می باشد حتی اگر کفر به من باشد ولی اگر کسی به روح القدس کفر گوید خدا هرگز او را نخواهد بخشید و بار این گناه تا ابد بردوش او خواهد ماند. چون آنها گفتند که همراه او روح ناپاک و نجس وجود دارد) انجیل مرقس اصحاح ۳

سوال/ با سلام خوب و نیک..... سید بزرگوار آیا از طریق امام خودت می توانی ساعت وفات و مرگ خودت را بدانی؟

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

جواب/ علامتها و نشانه هایی را می شناسم و می دانم که اگر این علامتها را دیدم که به من نزدیک بودند وقت رجوع به سوی پروردگار پاک و منزّه پی می برم.

احمد الحسن

سوال/ به سید محترم و بزرگوار سید احمد الحسن..... باسلام و درود.

خصوصیاتی که شما را برای این امر مهم تعیین نمود کدامند؟ یا بهتر بگوییم چه ویژگیها و خصوصیاتی در شما وجود دارد که شما را از بقیه شیعیان جدا نموده تا امام مهدی شما را برای امر سفارت تعیین کند؟ متشکرم.

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

جواب/ وقتی خداوند با موسی علیه السلام گفتگو نمود به او گفت اگر بار دیگر برای مناجات آمدی همراه با خودت کسی را بیاور که از او بهتر هستی و حضرت موسی نزد هرکس می رفت جرأت نمی کرد بگوید که من بهتر از او هستم پس از مردم جدا شده و به نزد حیوانات رفت تا این که به یک سگ مریض رسید پس گفت که این را با خودم ببرم پس طنابی را به گردن سگ انداخت و او را با خود برد وقتی در مسیر رفتن بود حضرت موسی علیه السلام به سگ نظری انداخت و به او گفت: نمی دانم با چه زبانی خداوند را تسبیح می گویی پس چگونه بگویم که من از تو بهترم پس حضرت موسی علیه السلام سگ را آزاد کرد و به مناجات خدا رفت. پس خداوند گفت: ای موسی چیزی که به تو دستور دادم بیاوری کجاست؟ حضرت موسی گفت: خدای من آن را نیافتم. پس خداوند گفت: ای پسر عمران اگر تو آن سگ را آزاد نمی کردی اسم تو را از لیست پیامبران پاک می نمودم. ^(۱۵)

ومن بنده حقیر هرگز حتی به ذهنم خطور نمی کند که از یک سگ مریض نیز بهتر باشم بلکه خود را گناه بزرگی می بینم که بین دستان خداوند مهربان و دلسوز ایستاده است. (۱۶)

احمد الحسن

سوال/ شما شیعیان می گوئید که سفیران امام مهدی علیه السلام چهار نفر هستند و بعد از آن دیگر سنت سفیر فرستادن قطع شد. پس چگونه با دلایل نقل شده و عقلی از قرآن و تورات و انجیل ثابت می کنید که شما سفیر شماره پنجم هستید؟

۱۶ - و این همان موضوعی است که سید احمد الحسن علیه السلام برای هدایت مردم بسوی شناخت خلیفه خدا آنرا مطرح نمود، و اینکه او حجت خدا بر روی زمین و مخلوقات می شود و آن کشتن و ازین بردن خودخواهی و منیت است، بطوریکه شخص خود را چون شیئی از اشیاء بحساب نمی آورد، چون خداوند به حضرت مریم علیها السلام بخاطر کشتن خودخواهی و منیت مقام جایی برای حمل خلیفه خدا بر روی زمین رابه او داد. ، و عمل او روزه گرفتن و خودداری از منیت و خودخواهی است، و بین خود و مردم حجایی بوجود آورد، ولی سید علیه السلام وجود خود در برابر وجود خدا را یک گناه بزرگی می داند و این یک جایگاه عظیم و بزرگی است، پس انسان یک بار خودش را نبیند و خداوند مقامی از مقامات را به او می دهد، ولیکن سید علیه السلام به جاهایی بزرگتر و بالاتر از اینها رسیده است که او به خودش یک نگاهی می اندازد ولی این نگاه به معنی مقدس شمردن خود نمی باشد. به خود بعنوان یک گناه نظر میاندازد، و بدین طریق مقامهای خیلی اعظم و بزرگ را بدست آورد.

انسان یک بار به خود بعنوان یک شیء قیمتی و دارای ارزش نگاه می کند و یک بار به خود نگاه نمی کند و برای خود هیچ ارزشی را قائل نمی شود. و گاهی به خود نگاه می کند ولی خودش را یک گناهی در برابر وجود خداوند احساس می کند.

و این طریق عمل است و فقط گفتار زبانی نیست. و دلیل آن هم عطاء و دادن خداوند به این انسان درقبال این عمل است. بطوریکه خداوند را از طریق این دادن و عطاء الهی و این کرم خدایی که بر بنده سرازیر می شود خواهد شناخت.

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

جواب/ در تورات در سفر پادشاهان دوم اصحاب دوم (و در موقعی که ایلیا بواسطه گردباد به سمت خداوند صعود کرد..... و ایلیا لباسش را برداشت و پیچید و برآب زد و آب به دو نصف جدا شد و همه آن ها بر روی خشکی عبور کردند وقتی عبور کردند ایلیا به یشع گفت: پیش از آنکه به آسمان رفتم بگو چه می خواهی تا برایت انجام دهم یشع جواب داد: دو برابر قدرت روح خود را به من بده.

ایلیا گفت: چیز دشواری از من خواستی اگر وقتی به آسمان می روم مرا ببینی آنگاه آنچه خواستی به تو داده خواهد شد و در غیر این صورت خواسته ات برآورده نخواهد شد. پس در حالی که با هم راه می رفتند و صحبت می کردند ناگهان عرابه ای آتشین که اسبان آتشین آنرا می کشیدند ظاهر شده و آن دو را از هم جدا کرد و ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت الیشع این را دید و فریاد زد ای پدر.. ای پدر... عرابه اسرائیل و اسبانش ولی دیگر او را ندید.

این وضعیت پیامبر خدا ایلیا و رسول یا سفیر اوست و او به بالا رفته است^(۱۷) و تا الان نمرده است و کارهای زیادی را در روی زمین در راه خدا انجام می دهد. ولی اهل زمین او را نمی بینند به خاطر این که کور هستند و لو این که چشمهای آنان باز باشد.

۱۷ - آنکه بر انسان واجب است اینکه طریق سیر او باید بسوی خداوند باشد یعنی یک سیر تکاملی است و آن تخلّق به اخلاق خداوند است و آمیخته شدن با هر چیزی که از صفات خداوند نشأت گرفته باشد و لا توجه به اینکه انسان دارای یک جنبه مادی است و آن جسم مادی است و دارای یک جنبه مثالی است و آن نفس انسان است و آن نزدیکترین مرحله به روح است به همین خاطر انسان اگر خواست که راه کمال را طی کند روحاً و جسماً ترقی پیدا می کند و رفع و بلند کردن جسم انسان احتیاج به اشراق او دارد پس بلندترین هدف رسیدن او آسمان دنیا می باشد ولی روح او در بهشتهای ملکوتی به سیر می پردازد بطوریکه سید احمد الحسن علیه السلام در کتاب متشابهات در مورد کیفیت خلق آدم و درختی که از آن خورد را ذکر نموده است. و فرمود: (حضرت آدم علیه السلام از گل آفریده شد یعنی از این زمین ولی فقط بر روی این زمین نمانده است و در بلندترین نقطه آسمان دنیا رفع شده و بالا رفته است یا همان آسمان اول و یا بگوییم تا ابتدای آسمان

و نیز مثل ایلیا علیه السلام حضرت خضر علیه السلام و اونیز به آسمان ها بالا رفته است و دارای کارهایی است به دستور خداوند در روی زمین انجام دهد و حضرت عیسی علیه السلام نیز همین طور است یعنی به سمت آسمان ها بالا رفته است و دارای کارهایی به دستور خداوند است که در روی زمین انجام می دهد و امام مهدی علیه السلام محمد بن الحسن عسکری نیز دارای کارهایی است که به دستور خداوند در روی زمین باید انجام دهد.

و در بدو امر که حضرت عیسی علیه السلام به سمت آسمان ها رفع شد. رسولانی و فرستادگانی را از سوی خود برای ثابت نگه داشتن حق که او از جانب خداوند آورده بود و برای نشر و انتشار دین خداوند فرستاد. که از جمله آن ها شمعون الصفا یا همان کسی که در انجیل (سمعان بطرس) نام دارد و نیز یوحنا بربری یا همان کسی که در انجیل او را یوحنا الاهوتی می نامند. ^(۱۸) و پس از ارسال رسول و وصی از سوی حضرت عیسی علیه السلام قطع شده

دوم رفع شده است و آن بهشت ملکوتی است و یا به تعبیر روایات اهل بیت در ابتدای درب بهشت ملکوتی قرار داده شد تا ملائکه از کنار او رد شوند و این رفع گل آدم مستلزم اشراق آن به نور خداوند و لطیف ساختن آن می باشد و بعداً وقتی که خداوند روح خود را در او دمید جسم او لطیف و مرفه در بهشت مادی و جسمانی بود و در این بهشت چیزی همچون خروج فضولات از بدن او وجود نداشت. ولی روح آدم علیه السلام: در بهشت ملکوتی در حال رفاه و تنعم بوده است و یا بگوییم در بهشتهای ملکوتی بود چون تعداد آنها زیاد هستند:

(وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ) و از آنها نیز (وَمَنْ ذُوهُمَا جَنَّاتٍ... مُدْهَمَّاتٍ) و رفع و بالا بردن رفع تجلی و ظهور است و رفع مکانی و تحافی نیست و در آخر آدم در این زمین جسمانی که بر روی آن زندگی می کنیم معدوم و از بین رفته نمی باشد بلکه در آن موجود است و اگر در روی آن معدوم بود مرده بود و از بین می رفت ولیکن آدم در ابتدا بر روی این زمین با جسم لطیف و نرم زندگی میکرد ولی بر روی زمین که از آن رفع شده بود با حالت گناهکار برگشته است بعد از اینکه از امر خداوند سرپیچی کرد) کتاب متشابهات ج ۱/ جواب سوال شماره ۳.

۱۸ - بعد از اینکه حضرت عیسی علیه السلام رسالت خود را به پایان رسانید و یاد دادن به شاگردانش را اتمام کرد، و به آنها گفت که او در حال رفتن است و اخبار آنها به این امر را اینگونه گفت که او به بالا رفع خواهد شد و رسالت را بردوش آنها سپرده است همانطور یکه در انجیل یوحنا در اصحاح ۱۷ آمده است (من رسالت تو را به آنها دادم ولی مردم دنیا از آنها نفرت دارند چون همزنگ آنان

است. و نه اینکه برای مدت زمانی قطع شد بلکه تا ابد قطع شد و دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که این امر را ثابت کند. و دلیل دیگری برعکس آن وجود دارد^(۱۹) و آن ارسال حضرت عیسی علیه السلام بوسیله کسی که او را تمثیل کند آن هم وقتی است زمان برگشتن او فرا رسد و قیامت صغری نزدیک شود و دلیل آن را در آینده ان شاء الله می آورم.

نمی شوند همچنانکه من نیز نمی شوم... همانطور که تومرابه این جهان فرستادی من نیز ایشان را به میان مردم می فرستم.

۱۹ - تبلیغ رسالتی برای مدتی قطع نمی شود تا برای احتجاج کننده ای دلیل و حجت و برای هیچ کسی عذری در برابر خداوند وجود نداشته باشد و خداوند پاک و منزه بر بندگان خود برحسب حال مردم و استقبال آنها حجت‌های خود را ارسال می کند و شیخ صدوق در کتاب خود کمال دین و تمام نعمه ذکر کرده می گوید: برای مسیح علیه السلام غیبت‌هایی است که در آنها در روی زمین می گردد و قوم او و شیعه و اصحاب او نیز از او خبر ندارند سپس ظاهر شد و به شمعون بن حمون علیه السلام وصیت نمود و او را وصی قرار داد، پس وقتی که شمعون از دنیا رفت حجت‌های خداوند غایب شدند و طلب و در خواست مردم برای حجت زیاد شد، و بلایا و امتحانات بزرگ تر و زیادتر شدند و دین پاک و محو شد، و حقوق ضعفا خورده شد و ضایع شد. و واجبات و سنتها از بین رفته و متروک شدند. و مردم به چپ و راست می روند و نمی دانند که چه چیزی برای چیست، و آن غیبت ۲۵۰ سال بطول انجامید.

از ابی عبدالله علیه السلام گفته شده (بین حضرت عیسی و حضرت محمد علیهما السلام) پانصد سال فاصله زمانی بود، از این مدت ۲۵۰ سال بدون پیامبر و یا عالم دین آشکار سپری شد، گفتم: پس چگونه بودند؟ فرمود: به دین حضرت عیسی علیه السلام متمسک شده بودند گفتم پس چه بودند؟ فرمود: مومن بودند سپس فرمود: و زمین هیچ وقت بدون عالم دین باقی نمی ماند) کتاب کمال دین و تمام نعمت ص ۱۲۳

و به همین خاطر اصحاب کهف آمدند که آنها آیه و نشانه ای از آیات خداوند می باشند که بعد از انحرافات که در رسالت عیسی علیه السلام بوجود آمده بود ظاهر شدند تا به مردم یادآوری نموده و آنها را از عبادت بتها به سوی عبادت خداوند متعال هدایت نمایند.

واما در خصوص امام مهدی علیه السلام پس او تعداد چهار نفر سفیر را در زمان غیبت صغری که تقریباً هفتاد سال به طول انجامید فرستاد. پس فرستادن سفیر و رسول از سوی امام مهدی علیه السلام قطع شد و این نمی تواند دلیلی باشد که قطع شدن ارسال سفیر در مقطعی از زمان به معنی قطع شدن ارسال سفیر تا ابد باشد. بلکه این دلیلی است برای آن که رسولی و سفیری را از جانب او می فرستند تا او را تمثیل کند آن هم در وقتی که قیام او نزدیک شود و قیامت صغری نزدیک شود و دلیل را در آینده ان شاء الله می آورم.

و اکنون قبل از اینکه در خصوص وجود دلیل برای ارسال یک رسول از طرف آن ها که آن ها را تمثیل کند بحث کنیم ابتدا بحث راجع به امر و کار این چهار نفر علیهم السلام یعنی حضرت خضر علیه السلام و ایلیا علیه السلام و عیسی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام بحث کنیم که آیا کار هر چهار نفر یکی است یا اینکه هر کدام یک کار خاصی را انجام می دهد؟

و به حق که دستور و امر و کار آن ها یکی است و آن ها با هم متحد هستند و هیچ اختلافی با هم ندارند و جدا از هم نیستند چون خدای آن ها یکی است و دین آن ها یکی است و آن تسلیم در برابر اراده خداوند پاک و منزه است و همه آن ها به سوی خدا مردم را دعوت می کنند و به امر و دستور او عمل می کنند و کلام حقی که به آن مردم را دعوت می کنند نیز یکی است و هدف و منظور آن ها یکی است و آن قیامت صغری است و هدف و منظور آن ها همان انتشار عدل و داد و توحید و عبادت خداوند در روی زمین است به گونه ای که خداوند پاک و منزه بخواهد. پس آن ها با هم متحد هستند و هیچ اختلافی با هم ندارند و یک هدف و یک آینده را می خواهند و خدا پروردگار آن ها یکی است پس ناگزیر باید سفیر و رسول از سوی همه آن ها یک نفر باشد. و او نیز رسولی از طرف خداوند است چون آن ها به دستور خداوند عمل می کنند و هر کس که آن ها را تمثیل کند خدا را تمثیل کرده است و هر کس که از آن ها سرپیچی کند از خداوند سرپیچی کرده است. چون آن ها خلفای خداوند بر روی زمین هستند.

اینک دلایلی را می آوریم که آن ها رسولانی را از سوی خود می فرستند آنهم در وقتی که زمان قیامت صغری و برپایی دولت عدل الهی فرا رسد و با توجه به تنگ بودن وقت و جایگاه بحث بعضی از دلایل را می آوریم و زیاد آن ها را توضیح نمی دهیم.

اول: در قرآن و احادیث رسول خدا حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

۱- خداوند می فرماید: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾ (۲۰).

واین دود و یا دخان عذاب است و عذاب قبل از ارسال یک رسول اتفاق می افتد و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ (۲۱).

و نیز این دود و دخان یا عذاب یک عقوبت و مجازاتی است که برای کسانی که فرستاده و رسول را تکذیب نمودند نازل شده است و او در بین خودشان است همانطوری که از آیات واضح است و خداوند می فرماید:

﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ﴾.

و نیز این دود و دخان یا عذاب ایمان اهل زمین را برای رسول و فرستاده روشن می سازد بعد از اینکه آن ها را گمراه نمودند همان طوری که عذاب قوم حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام یا یونان را گمراه نمود.

و نیز این دود و دخان یا عذاب مقارن و همزمان با قیامت صغری است بلکه آن صاعقه کوچک است همانطوری که در آیه واضح و واضح است و بعد از آن جز صاعقه بزرگ و انتقام از ظالمین چیز دیگری نخواهد بود.

پس دود و دخان از علامات قیام قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام و این از سوی امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز آمده است که این دود همزمان با یک رسول و فرستاده است بلکه آن بدلیل تکذیب و دروغگو شمردن رسول و فرستاده توسط اهل زمین است و آن مجازاتی برای آن هاست ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾.

۲۰ - دخان: ۱۰ - ۱۶.

۲۱ - اسراء: ۱۵.

پس این رسول کیست؟ وجه کسی این رسول را فرستاده است؟

۲- خداوند می فرماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (۲۲).

یادگیران و آخرین از آن ها بعد از اینکه بعد از آن ها می آیند پس رسول و فرستاده ای ازین آن ها برایشان می فرستد تا آیات خدا را بر آن ها می خواند و توضیح می دهد و آن ها را تزکیه می کند و به آن ها قرآن و حکمت را می آموزد.

به طور قطع حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیست که دوباره می آید و آیات خداوند را برای کسانی که بعد از رجوع او بسوی خداوند می آیند تلاوت می کند و توضیح می دهد پس حتما باید یک رسولی در آن وقت و آن زمان باشد و نیز نزد اشخاص امی ظاهر می شود یاد را م القری در زمان آن رسول و دارای آن ویژگیها و صفات است. آیات را می خواند و مردم را تزکیه می کند و پاک و تطهیر می کند و در ملکوت آسمان ها نظاره می کنند و به آن ها قرآن و حکمت و علم و دانش را می آموزد.

۳- خداوند می فرماید: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (۲۳).

در حدیثی از جابر به نقل از ابی جعفر علیه السلام می گوید: از امام در خصوص تفسیر این آیه سوال کردم: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (۲۴) گفت تفسیر آن در باطن آیه یعنی در هر قرنی از زندگی این امت یک رسول از آل محمد وجود دارد که در قرنی که بر مردم آن قرن رسول است برای آن ها خارج می شود. و آن ها

۲۲ - جمعة: ۱ - ۴.

۲۳ - یونس: ۴۷.

۲۴ - یونس: ۴۷.

اولیاء خدا و رسولان هستند و اما قول خداوند متعال: ﴿فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ...﴾ فرمود: معنی آن این است که رسولان به عدل و داد قضاوت می کنند و آن ها همانطور که خداوند فرمود بر کسی ظلم نمی کنند (تفسیر عیاشی ص ۱۱۹ و مجلسی در بحار نیز آنرا روایت کرده است)

و این مختصراً کافیهست و گرنه بحث به درازا کشیده می شود اگر بخواهیم همه دلایل قرآنی را بیاوریم.

ب) از رسول خدا حضرت محمد ﷺ احادیث زیادی آمده است که شیعه و سنی آن ها را نقل کرده اند که دلالت بر وجود مهدی ﷺ و قائم که قبل از امام مهدی ﷺ می آید وجود دارد بلکه او به امام مهدی ﷺ نیز نزدیک و متصل است و با او در ارتباط است. و او رسول و فرستاده ای از سوی امام مهدی ﷺ است و اودست راست امام مهدی ﷺ و وصی و فرستاده اوست. (۲۵)

۲۵ - و در روایت آمده است که (واموال قائم را می گیرد واصحاب كهف در پشت سر او راه می روند، او وزیر راست و یمن قائم است و نایب او و کنار اوست، و امن وامنیت و صلح رادر مشرق و مغرب زمین برقرار می کند بخاطر و برای حجت ابن الحسن العسکری ﷺ الزام الناصب ج ۲ ص ۱۵۸)

یمن: از یمن یعنی خیر و برکت می آید، و آن نیز بر نزدیکی دلالت می کند، به طوری که نزدیک ترین شخص به خودت را به او می گویی که او یمن من است و اوست که بجای من ادا می کند، و یمن امام مهدی یعنی از نسل او است و اوست که از اسرار امام مهدی در زمان غیبت اطلاع دارد و اوست که مردم را از ظهور امام مهدی باخبر می کند آنهم به دستور امام این کار را انجام می دهد.

و میرزا نوری میگوید (شیخ النعمانی) _ که شاگرد ثقه الاسلام کلینی است در کتاب غیبت روایت می کند. و شیخ طوسی در کتاب غیبت بواسطه دو سند معتبر از مفضل بن عمر گفت: از ابا عبد الله شنیدم که می فرماید: (برای صاحب این امر دو غیبت است، یکی از آنها طولانی می شود تا اینکه بعضی ها می گویند مرده است و بعضی ها می گویند کشته شده است. و بعضی ها

و وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله براین شخص و اسمش و صفاتش دلالت کرده است و او مهدی اول و اسمش احمد و از نسل امام مهدی علیه السلام می باشد

و امامان علیهم السلام نیز این شخص را که امام مهدی علیه السلام می فرستد را توصیف نمودند و او را با اسمش و مکان سکونتش و ویژگیها و صفاتش بیان کردند و اسمش احمد است و از بصره و.... و.... و اینکه احادیث را نقل نمی کنم و مختصر می گویم و عذرخواهی می کنم.

و برای بیشتر شدن معلومات خود در این خصوص به کتابهای صادره از انصار امام مهدی علیه السلام مراجعه کنید که از جمله آن ها رسالت آشکار (البلاغ المبین) و (الرد الحاسم والرد القاصم) و بعضی از بیانیه ها که در آن ها بعضی از این روایات را که بزرگان شیعه که از صدها سال قبل از سوی پیامبر و امامان: آن را نقل کرده اند وجود دارد و علمای اهل سنت نیز در کتابهای خود آن ها را نقل کرده اند. ^(۲۶)

می گویند رفته است و کسی از اصحاب او نمانده است جز افراد خیلی کم، و کسی از فرزندانش و یا شخص دیگری از او اطلاع ندارد مگر آن کسی که امورات او را بر عهده می گیرد. (النجم الثاقب ج ۲ ص ۶۹)

۲۶ - از ابی عبدالله علیه السلام از پدران او علیه السلام از امیر المومنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که وفات او در آن شب بود فرمود: (ای ابا حسن یک صحیفه (برگ کاغذ) و جوهر آماده کن، پس رسول خدا وصیت خود را املاء کرد تا اینکه به این جا رسید که فرمود ای علی علیه السلام بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهند آمد، و تو ای علی اولین دوازده امام هستی [و کلام را ادامه داد تا اینکه فرمود] و امام حسن العسکری علیه السلام آنها را به دست فرزندش م ح م د مستحفظ از آل محمد تسلیم می نماید، اینها دوازده امام هستند سپس بعد از اینها دوازده مهدی خواهند آمد، پس اگر وقت وفات او فرا رسید آنها را به فرزندش که اولین مهدیین است تسلیم می نماید که دارای سه اسم می باشد یک اسم مثل اسم من و دومین اسم هم نام پدرم و او عبدالله و احمد و اسم سوم الهمدی است و او اولین مومنان می باشد) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۵۰_ النجم الثاقب: ج ۲ ص ۴۱.

دوم: در تورات

۱- سفر اشعیاء:

پرچی برای ملتها برافراشته می کند، قومهایی را از دور دست فرا می خواند تا به سوی او بیایند آن ها به سرعت خواهند آمد و در راه خسته نخواهند شد و پاهایشان نخواهد لغزید و توقف نخواهند کرد کمربندها و بند کفشهایشان باز نخواهد شد می دوند بی آنکه استراحت کنند یا بخوابند تیرهایشان تیز و کمان هایشان خمیده است، سم اسپهایشان مانند سنگ خارا و سخت محکم است و چرخهای عرابه هایشان مثل گردباد می چرخند ایشان چون شیر می غرند، و بر سر شکار فرود می آیند و آن را با خود به جایی می برند که

و اولین انصار امام مهدی از بصره، و اسمش احمد است و از امیر المومنین علیه السلام در یک خبر طولانی. (پس اولین آنها از بصره و آخرین آنها از ابدال میباشد) بشاره الاسلام ص ۱۴۸، کتاب مابعد الظهور از سید صدر.

از نعیم بن حماد، از علی علیه السلام نقل شده که (مردی قبل از امام مهدی که از اهل بیتش می باشد خارج می شود و به مدت هشت ماه شمشیر را بردوش می گیرد... الخ) کتاب مابعد الظهور - سید الصدر ص ۴۸۰

در کتاب بشاره الاسلام به نقل از بحار الانوار آمده است، که ابی عبدالله فرمود (ای ابا محمد، امت محمد هیچ فرج و گشایشی نمی بیند مادامی که فرزندان بنی فلان حکومت می کنند تا اینکه حکومت آنها منقضی شود، و اگر حکومت آنها منقرض شد خداوند از آل محمد مردی از ما اهل بیت خارج می نماید که با تقوا حرکت کرده و با هدایت پیش می رود و در حکومت او رشوه در کار نخواهد بود به خدا سوگند که من او را با نامش و نام پدرش میشناسم. سپس صاحب خال و اثر در صورت که عادل و حافظ و نگاهدار آنچه به او سپرده شده است می آید که زمین را پر از عدل و داد نموده همانطور که پر از ظلم و ستم شده بود) بشاره الاسلام: ص ۱۱۸ و معنی (از ما اهل بیت) یعنی مخصوصاً" از نسل امام مهدی علیه السلام است.

کسی نتواند از چنگشان نجات دهد در آن روز آن ها مانند دریای خروشان بر سر قوم خواهند غرید.....^(۲۷)

واین خصوصیات: یعنی نبی خوابند... و... آن ویژگیهای یاران و اصحاب قائم علیه السلام است همانطوری که در روایات آل محمد: آمده است پس چه کسی پرچم را برافراشته می کند؟ (پرچی را برای امتهای برافراشته می کند)؟

یا همان کسی که از مردم بیعت می گیرد و انصار را برای امام مهدی علیه السلام و عیسی علیه السلام و ایلیا علیه السلام حضرت خضر علیه السلام جمع آوری می کند.

اصحاح یازدهم: (درخت خاندان داوود بریده شده است اما یک روز کنده آن درخت جوانه خواهد زد بلی از ریشه آن شاخه ای تازه خواهد روید، روح خداوند بر آن شاخه قرار خواهد گرفت یعنی روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت و روح شناخت و ترس از خداوند تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می شود داوری نخواهد کرد بلکه از حق فقراء و مظلومان دفاع خواهد کرد و از بدکارانی که بر ایشان ظلم می کنند انتقام خواهد گرفت. او با عدالت و صداقت حکومت خواهد کرد در آن زمان گرگ و بزه در کنار هم بسر می برند پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید گوساله با شیر خواهد رفت و یک کودک آن ها را به هرکجا که بخواهد خواهد راند و... و هیچ گزندی و بدی در کوه مقدس خدا وجود نخواهد داشت زیرا همان گونه که دریا از آب پراست همچنان جهان از شناخت خداوند پر خواهد شد.

و در آن روز پادشاه نوظهور خاندان داوود پرچم نجاتی برای تمام اقوام خواهد بود و مردم به سوی او خواهند آمد و سرزمین او از شکوه و جلال پر خواهد شد.^(۲۸)

و این حوادث همگی با قیامت صغری مطابقت و موافقت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و اتفاق نخواهد افتاد مگر در دولت عدل الهی.

و اما یسئ و او در تورات معروف است به اینکه او پدر داوود پیامبر خداست و مادر امام مهدی علیه السلام از نوادگان حضرت داوود علیه السلام است.

۲۷ - اصحاح پنجم: ۲۶-۳۰

۲۸ - اصحاح یازدهم: ۱-۱۰.

داستان او به اختصار این است که: او شاهزاده ای است که پدر بزرگش پادشاه روم بود و در خواب حضرت عیسی علیه السلام و وصی او شمعون الصفا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا را دید و رسول خدا او را از حضرت عیسی علیه السلام برای فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری کرد پس حضرت عیسی علیه السلام به شمعون الصفا یا سمعان بطرس گفت: برستی که شرف و عزت بزرگی نصیبت شده است. چون او از نوادگان شمعون الصفا (سمعان بطرس) وصی حضرت عیسی علیه السلام بود و بعد از آن نیز خوابهای زیادی دید و خودش را برای اسارت آماده ساخت و بعنوان اسیر در آمد و معجزات زیادی را در طی مسیر دید تا اینکه به درب خانه امام هادی علیه السلام رسید پس او را به همسری فرزندش امام حسن عسکری در آورد و از او فرزندی بنام محمد بن حسن عسکری علیه السلام بدنیا آورد.

پس امام مهدی علیه السلام محمد بن حسن عسکری علیه السلام از نسل اسرائیل (یعقوب) از جهت مادر است و از جهت پدری از نسل محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است پس بر او صدق می کند که جوانه ای از درخت یسئ یا آل داوود علیه السلام باشد.

همان طوری که بر مهدی اول از دوازده مهدی صدق می کند که او شاخه ای است که از همان شاخه ی بریده ی درخت تنومند آل داوود خارج می شود چون او از نسل امام مهدی علیه السلام است.

و مهدی اول کسی است که احمد نام دارد همان طوری که از روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان: آمده است و او رسول و وصی امام مهدی علیه السلام و وزیر اوست و اولین مومنان به او در بدو ظهور و قبل از قیام با شمشیر است و به این مقدار مختصر اکتفا می کنم و اگر در این خصوص بیشتر بخواهید بدانید در کتاب تورات در سفر اشعیاء اصحاح سیزدهم و چهل و دوم و چهل و سوم و چهل و چهارم و چهل و پنجم و شصت و سوم و پنجم و شصت و ششم و خوب به آن ها دقت کن.

۲- سفر دانیال:

اصحاح دوم: (ای پادشاه، در خواب مجسمه ی بزرگی را دیدید..... در همان حالی که به آن خیره شده بودید سنگی بدون دخالت دست انسان از کوه جدا شده و به پاهای آهنی و گلی آن مجسمه اصابت کرد و آن ها را خرد کرد پس مجسمه که از آهن و طلا و نقره و

مفرغ و گل بود فرو ریخت و به شکل ذرات ریزی در آمد و باد آن ها را مانند کاه پراکنده کرد به طوری که اثری از آن باقی نماند اما سنگی که آن مجسمه را خرد کرده بود کوه بزرگی شد و تمام دنیا را در بر گرفت^(۲۹)

پس این سنگ که بر حکومت طاغوت و شیطان در زمین چیره خواهد شد همان رسول و وصی از امام مهدی علیه السلام و از حضرت عیسی علیه السلام و ایلیا علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام است.

اصحاح هفتم: (دانیال جواب داد و گفت در شب خوابی دیدم و گویی که در خواب دریای پهناوری دیدم که در اثر وزش باد از چهارسوی آن دریا متلاطم شد و سپس چهار جانور عجیب و بزرگ از دریا بیرون آمدند هر کدام از آن ها با دیگری تفاوت داشت اولی شبیه شیر بود اما بالهای عقاب داشت وقتی به آن خیره شده بودم بالهایش کنده شده و دیگر نتوانست پرواز کند و مانند انسان روی دو پایش ایستاد و آماده حمله شد در میان دندان هایش سه دنده دیدم و صدایی شنیدم که به آن جانور می گفت برخیز و هرچه می توانی گوشت بخور.

سومین جانور شبیه پلنگ بود او بر پشتش چهار بال مثل بالهای پرندگان داشت و دارای چهار سر بود به این جانور اقتدار و تسلط بر مردم داده شد.

بعد از این در خواب دیدم که گویی جانور چهارم را دیدم که بسیار هولناک و نیرومند بود این جانور قربانیان خود را با دندان های بزرگ و آهنینش پاره پاره کرد و بقیه را زیر پاهایش له نمود این جانور با سه جانور دیگر متفاوت بود و ده شاخ داشت. وقتی به شاخهایش خیره شده بودم ناگهان یک شاخ کوچک دیگر از میان آن ها ظاهر شد و سه تا از شاخهای اول از ریشه کنده شدند این شاخ کوچک چشمانی چون چشمان انسان داشت و از دهانش سخن تکبر آمیز بیرون می آمد.

آنگاه تختهایی دیدم که برای داوری برقرار شد و (وجود ازلی) بر تخت خود نشست لباس او همچون برف سفید و موی سرش مانند پشم خالص بود تخت او شعله ور بود و بر چرخهای آتشین قرار داشت رودخانه ای از آتش در برابرش جریان داشت هزاران نفر او را

خدمت می کردند و میلیونها نفر در حضورش ایستاده بودند آنگاه دفترها برای داوری گشوده شد.

پس آن جانور چهارم را دیدم که کشته شد و بدنش در آتش سوزانده شد زیرا شاخی که او داشت سخنان تکبر آمیز می گفت قدرت سلطنت سه جانور دیگر نیز از ایشان گرفته شد ولی اجازه داده شد که مدتی همچنان زنده بمانند

آن گاه در خواب دیدم وجودی شبیه انسان را دیدم که روی ابرهای آسمان به آنجا آمد او به حضور آن وجود ازلی آورده شد و اقتدار و جلال و قدرت سلطنت به او داده شد تا همه قومها از هر زبان و نژاد او را خدمت کنند قدرت او ابدی و سلطنتش بی زوال است.

اما من دانیال از تمام آنچه دیده بودم گیج و مضطرب شدم پس به یکی از کسانی که کنار تخت ایستاده بود نزدیک شده معنی این خواب و رویا را از او پرسیدم و او نیز آن را این چنین شرح داد:

این چهار جانور بزرگ چهار پادشاه هستند که بر زمین سلطنت خواهند کرد ولی سرانجام برگزیده گان خدای متعال تا ابد قدرت سلطنت را به دست خواهند گرفت.

سپس درباره جانور چهارم که از سه جانور دیگر متفاوت بود سوال کردم آنکه هولناک بود و با دندان های آهنین و چنگالهای مفرغی قربانیان خود را پاره پاره می کرد و بقیه را زیر پاهایش له می نمود

و همچنین درباره آن ده شاخ و شاخ کوچکی که بعداً برآمد و سه تا از آن ده شاخ از ریشه کنده شد سوال کردم شاخی که چشم داشت و از دهانش سخنان تکبر آمیز بیرون می آمد و از شاخهای دیگر بلند تر بود چون دیده بودم که این شاخ با برگزیده گان خدا جنگ کرده بر آن ها پیروز شد تا اینکه آن وجود ازلی آمد و داوری را آغاز کرده از برگزیده گان خدای متعال حمایت نمود و زمانی رسید که قدرت سلطنت به ایشان واگذار شد.

او به من گفت: جانور چهارم، سلطنت چهارم است که بر زمین ظهور خواهد کرد این سلطنت از سلطنت های دیگر متفاوت خواهد بود و تمام مردم دنیا را پاره پاره کرده زیر پاهایش له خواهد کرد ده شاخ او ده پادشاه هستند که از این سلطنت به قدرت می رسند پس پادشاهی دیگر روی کار خواهد آمد که با سه پادشاه پیشین فرق خواهد داشت و آن

ها را سرکوب خواهد کرد. او بر ضد خدای متعال سخن خواهد گفت و بر برگزیده گان او ظلم خواهد کرد و خواهد کوشید تمام قوانین و اعیاد مذهبی را دگرگون سازد برگزیده گان خدا به مدت سه سال در زیر سلطه او خواهند بود.

اما پس از آن داوری آغاز خواهد شد و قدرت سلطنت این پادشاه از او گرفته شده به کلی ازین خواهد رفت آنگاه قدرت و عظمت تمام سلطنتهای دنیا به برگزیده گان خدای متعال واگذار خواهد شد سلطنت خدای متعال سلطنتی جاودانی خواهد بود و تمام پادشاهان جهان او را عبادت و اطاعت خواهند کرد. تا اینجا پایان امر است. ^(۳۰)

و شیر که دارای دو بال است حکایت از امپراطوری بریتانیای کبیر که در اروپا قد علم کرده و به قدرت رسید را دارد و شعار او یک شیر که دارای دو بال است می باشد.

و اما خرس و آن شعار کمونیست ها یا همان کشور شوروی سابق است و گوشت زیاد خوردن یعنی کشتار بیشتری کردن و قتل و عام مردم است.

اما حیوان چهارم که آن از آهن است همان امپراطوری آمریکاست که اینک همه زمین را زیر پاهایش له کرد و بر کل اهل زمین بوسیله سلاح و مال و پول تسلط پیدا کرد و چیره شد.

و اما (وجود ازلی) و آن امام مهدی علیه السلام است و پایان حکومت آمریکاست همانطوری که حضرت دانیال علیه السلام گفته است که به زبانه های آتش فرستاده می شود. به حول و قوه الهی انشاء الله.

و امام مهدی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام و ایلیا علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام در هنگام قیامت صغری خواهند آمد و آن روز داوری و حساب و انتقام از ظالمین است پس آیا درست است که عذاب و انتقام قبل از هشدار خواهد آمد؟

آن هشدار دهنده چه کسی است؟

ناگزیر باید یک رسول و وصی و فرستاده ای از سوی آن ها علیهم السلام بیاید و به مردم بشارت ظهور آن ها و هشدار از عذاب را بدهد یعنی قبل از ظهور آن ها بیاید. از تورات این کافی است. ^(۳۱)

سوم: در انجیل:

انجیل متی اصحاح ۲۴: ... از دور و نزدیک خبر جنگها به گوشتان خواهد رسید ^(۳۲) ... پس وقتی آن چیز وحشتناک را که دانیال نبی علیه السلام درباره اش نوشته است ببینید که در جای مقدس برپا شده است (خواننده خوب توجه کند تا معنی این را بداند)... ولی خدا بخاطر برگزیده گان خود آن روزها را کوتاه خواهد کرد... چون آمدن پسر انسان مانند برق آسمان خواهد بود که در یک لحظه از شرق تا غرب را روشن می سازد... و بعد از آن

۳۱ - در سفر تکوین آمده است که در آنجا دوازده رئیس هستند که از حضرت اسماعیل علیه السلام متولد می شوند (و اما اسماعیل نیز تقاضای تورا اجابت نمود و او را برکت خواهم داد و نسل او را چنان زیاد خواهم کرد که قوم بزرگی از او به وجود آید دوازده امیر از میان فرزندان او برخوانند **خواست**) سفر آفرینش: ۱۷.

و این دلیلی است برای کسانی که پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار میکنند آنهم بدلیل اینکه برای حضرت ابراهیم فرزندی غیر از اسحاق وجود ندارد، و مسیحیان به این استدلال می کنند که بعد از حضرت عیسی علیه السلام پیامبر دیگری وجود ندارد، و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را که از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام است را انکار می کنند و آنها می گویند که حضرت ابراهیم فرزندی بنام اسماعیل ندارد و فقط اسحاق را دارد. و دوازده رئیس که بر روی زمین حکومت می کنند درست است و آنها همان مهدیین هستند که دولت عدل الهی را برپا می کنند. و موافق با چیزی است که رسول خدا آورده است می باشد.

۳۲ - ممکن است منظور از منطقه ای که ظهور در آن صورت می گیرد مرکزی برای نقل و نشر اخبار باشد، و یا اینکه این منطقه سببی برای بوجود آمدن جنگها در سایر نقاط جهان باشد و این نیست که محلی برای ایجاد جنگها باشد با توجه به گفته حضرت عیسی (جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید) یا اینکه تهدیدهایی مبنی بر بکارگیری اسلحه باشد و بکارگرفتن اسلحه مستقیماً نباشد.

مصیبتها خورشید تیره و تار شده، ماه دیگر نور نخواهد داشت، ستارگان فرو خواهند ریخت و.....

و در اصحاح علامتها ی قیامت را حضرت عیسی علیه السلام ذکر می نماید همانطوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان: آن ها را ذکر کردند جنگها و خسوف و کسوف خورشید و ماه... و چیز وحشتناک که خرابی به بار می آورد (آمریکا)... و مهم این است که او در خصوص ظهورش از مشرق به نسبت جایی که حضرت عیسی علیه السلام در آن زمان قرار داشت عراق می باشد و برق آسمان که از مشرق خارج می شود و در مغرب می باشد آن حضرت ابراهیم علیه السلام است بطوری که از عراق خارج شد و در مکان مقدس ظاهر شد. حضرت عیسی علیه السلام به نفل از یوحنا (یحیی) که او ایلیا است یا مثل ایلیا است (ولی به شما می گویم که ایلیا آمده است ولی کسی او را نشناخت و با او بد رفتاری کردند به هر گونه که خواستند و حتی پسرانسان نیز از دست آن ها آزار خواهد دید در این هنگام شاگردانش فهمیدند که عیسی درباره (یحیی) ی تعمید دهنده سخن می گوید. (۳۳)

حضرت عیسی علیه السلام به نقل از یوحنا گفت: و اگر بتوانید حقیقت را قبول کنید باید بگویم که یحیی همان ایلیا است که کتاب آسمانی می گوید می بایست بیاید گوشه‌هایتان را خوب باز کنید و به آنچه می گویم توجه کنید. (۳۴)

لذا پس رسول و فرستاده ای که امام مهدی علیه السلام و هرکس که با اوست چون عیسی و ایلیا و خضر می فرستند اواز عراق خروج خواهد کرد ممکن است گفته شود که خروج حضرت عیسی علیه السلام به این معنی خواهد بود همان طوری که خروج یحیی (یوحنا) مثالی است برای خروج ایلیا در یک مرحله معینی می تواند باشد. و یا ممکن است این رسول و فرستاده از امت و زمان دیگری غیر از این زمان بیاید بلکه آن همانطور است که حضرت عیسی علیه السلام گفته است (بخاطر این است که به شما می گویم: که منظورم این است که خداوند برکات ملکوت خود را از شما گرفته به قومی خواهد داد که از محصول آن سهم

۳۳ - انجیل متی: اصحاح هفدهم.

۳۴ - اصحاح یازدهم.

خداوند را به او خواهند داد. ^(۳۵) وعیسی گفت: به همین ترتیب شما نیز برای آمدن ناگهانی پسر انسان همیشه آماده باشید تا غافلگیر نشوید.

چه کسی آن بنده ی امین ودانا است که آقایش ومولایش او را برای خدمت به اهل خانه خود گمارده است تا هر روز به آن ها خوراک (یا علم ومعرفت وحکمت) دهد؟ در آن هنگام خوشا بحال آن بنده که اگر آقایش ومولایش بیاید او را در حال خدمتگذاری ببیند. ^(۳۶)

این بنده حکیم وامین کیست؟ جز اینکه رسول وفرستاده ای از سوی امام مهدی علیه السلام وعیسی وایلیا وخضر می تواند باشد؟

عیسی گفت: ولی اکنون نزد کسی می روم که مرا فرستاده است اما گویی هیچ یک از شما علاقه ندارد که بدانند منظور من از این رفتن وآمدن چیست؟ حتی تعجب هم نمی کنید در عوض غمگین ومحزونید ولی در حقیقت رفتن من به نفع شماست چون اگر نروم آن تسلی بخش که روح پاک خداست نزد شما نخواهد آمد ولی اگر بروم او خواهد آمد زیرا خودم او را نزد شما خواهم فرستاد. وقتی او بیاید دنیا را متوجه این سه نکته می کند: نخست آنکه مردم همه گناهکارند ومحکومند چون به من ایمان ندارند.

دوم آنکه: خدا مهربان است ومردم را می بخشد چون من به نزد او می روم وبرای ایشان شفاعت می کنم.

سوم آنکه: نجات برای همه مهیا است نجات از غضب وكیفر خدا چون فرمانروای این دنیا یعنی شیطان دیگر محکوم شده است. ^(۳۷)

پس این تسلی بخش وروح پاک خدا چه کسی است که فرستاده می شود؟

وچه کسی است که همه دنیا را بخاطر گناهانشان ودروغ شمردن انبیاء واوصیاء وکشتن آن ها وپشت کردن به پیامبران وفرستاده گان وخوردن حق آن ها در قیامت

۳۵ - انجیل متی: اصحاح بیست ویکم.

۳۶ - در اصحاح بیست وچهارم.

۳۷ - انجیل یوحنا: اصحاح شانزدهم.

صغری مجازات می کند؟ وبه خاطر پشت کردن به امام مهدی علیه السلام که رئیس این عالم است مجازات می کند؟

وعیس گفت: بسیار چیزهای دیگر دارم که بگویم ولی افسوس که حال نمی توانید بفهمید ولی وقتی روح پاک خدا که سرچشمه همه راستی هاست بیاید تمام حقیقت را به شما آشکار خواهد ساخت زیرا نه از جانب خود بلکه هرچه می شنود آنرا می گوید و از آینده نیز شما را با خبر خواهد ساخت او جلال و بزرگی مرا به شما نشان خواهد داد و با این کار باعث عزت و احترام من خواهد شد. ^(۳۸)

واز ابی عبدالله امام صادق علیه السلام فرمود: علم بیست و هفت حرف است و مجموع هر آنچه تا حال پیامبران آوردند دو حرف است و تا به امروز مردم غیر از دو حرف چیزی نمی دانند پس اگر قائم ما ظهور کرد بیست و پنج حرف دیگر را خارج می سازد و در بین مردم منتشر می کند و ۲ حرف قبلی را ضمیمه آن ها می کند تا بیست و هفت حرف را بین مردم منتشر کند. ^(۳۹)

فکر کنم چیزی که گفته شد ولو به اختصار گفتم ولی برای کسی که حق و حقیقت را طالب باشد کافیست. و اگر موارد بیشتری خواستید در خواب یوحنا ی لاهوتی علامات زیادی برای کسی که طالب حق است وجود دارد و به خاطر مختصر بودن موضوع به آن نمی پردازم. ^(۴۰)

۳۸ - انجیل یوحنا اصحاب شانزدهم.

۳۹ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۴۰ - انجیل رویا ۲:۱۱: (هرکس گوش شنوا دارد خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها چه می گوید هرکس پیروز شود مرگ دوم او را اذیت نمی کند.)

و این نص صریحی است که منصور (یاری شده) و یا پیروز را در ترجمه های دیگر انجیل توصیف کرده است، چون او دارای زندگی قبلی است، و به همین خاطر است که دوباره مبعوث شده و برای مرگ آماده می شود، و این رخ نداد مگر برای شبیه حضرت عیسی علیه السلام که مورد شباهت با حضرت عیسی قرار گرفت و بجای او به صلیب کشیده شد و وقتی بار دیگر مبعوث می شود در زمانی است که تکلیف و دستور دارد که در معرض حوادث و خطرهای زیادی که با آنها مواجه می

فقط یک مورد را به شما یاد آوری کنم که یهود در زمانی که خداوند حضرت عیسی صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود گفتند: آیا ممکن است از شهر ناصره یک چیز نیک و نیکو خارج

شود و آن در زمانی است که پر شدن زمین از ظلم و ستم از شاخصه های آن است. و نیز در آیه ۱۷ انجیل رویا آمده است (هر کس گوش شنوا دارد گوش فرا دهد که روح خدا به کلیساها چه می گوید: هر که پیروز شود از (من) یعنی آن نان آسمانی خواهد خورد و من به او سنگ سفیدی خواهم بخشید که بر آن نام جدیدی نوشته شده است نامی که هیچکس از آن باخبر نیست عیر از کسی که آن را دریافت می کند... ۲۶ و هر که بر این مشکلات پیروز شود و تا زمان بازگشت من به خواست و اراده من عمل کند به او قدرت خواهم بخشید تا بر تمام قومها حکمرانی کند. و با عصای آهنین بر آنها حکومت می کند و آنها را همچون کوزه گلی خورد خواهد کرد.

و در سفر رویا شهادت و دلیلی است برای پیروز و تایید او برای کسی که دارای ارواح هفتگانه خداوند و ستاره های هفتگانه است همانطور که در سفر سوم از رویا گفته شده که (هر که پیروز شود لباس سفید برتن خواهد نمود من نیز نام او را از دفتر حیات پاک نخواهم ساخت بلکه در حضور پدرم خدا و فرشتگانش اعلام خواهم کرد که او از آن من است... ۲۱ من به هر که پیروز شود اجازه خواهم داد که بر تخت سلطنتی ام در کنار من بنشیند همانطور که من نیز پیروز شدم و در کنار پدرم بر تخت او نشستم).

و در سفر چهارم از رویا: (سپس همانطور که نگاه می کردم دیدم که در آسمان دروازه ای گشوده شد. آنگاه همان آوایی که قبلاً نیز شنیده بودم بگوش رسید آن آوا که همچون صدای شیپوری نیرومند بود به من گفت: بالا بیا تا وقایع آینده را به تو نشان دهم ناگهان روح خدا مرا فرو گرفت و من خود را در آسمان دیدم و تختی را در آسمان دیدم کسی بر آن نشسته بود که همچون الماس می درخشید گرداگرد تخت او را رنگین کمانی تابان چون زمرد فرا گرفته بود. دور آن تخت بیست و چهار رهبر روحانی نشسته بودند که همه لباسی سفید برتن و تاجی از طلا بر سر داشتند)

و این دلیلی واضح است بر این که خلفائی بعد از حضرت عیسی صلی الله علیه و آله حکومت خواهند کرد و آنها بیست و چهار رهبر هستند و آن کسی که بر تخت نشسته بود و بقیه دور او نشسته اند رسول خدا صلی الله علیه و آله است. و بیست و چهار رهبر همان دوازده امام و دوازده مهدی هستند و این موکد است چون بر هیچ کس غیر از آنها منطبق نخواهد شد.

شود؟ وگفتند: خوب نگاه کن و بین که هیچ پیامبری از شهر جلیل مبعوث نمی شود. گفتند: آیا مسیح از شهر جلیل می آید مگر نه این است که کتاب یهود می گوید که او از نسل داوود است و از بیت لحم یعنی روستایی که داوود در آنجا بود مسیح خارج می شود؟ در آخر نصیحتی برای شما دارم که این جملات و کلمات را خوب دقت کن و به آن ها فکر کن... در تورات نوشته شده که (باتمام وجودت و قلبت بر من توکل کن و به فهم و معلومات خودت اعتماد نکن و تکیه نکن در هر مسیری من را بشناس و من را هت را استوار می سازم و خودت را حکیم و دانا بحساب نیاور مرا بزرگ بشمار و به من احترام بگذار و با کلام من نفس خودت را یاد بده و با ادب بکن.)^(۴۱)

احمد الحسن

سوال/ امیدوارم که از سخنان من ناراحت نشوید و معذرت می خواهم اگر در جریان سوالاتم بی ادبی و بی احترامی رخ داده باشد و مجدداً از شما تشکر و قدردانی می کنم به خاطر این که به من و سوالاتم اهمیت دادید و این دلیل بر روح بلند و اخلاق نیک که در شما وجود دارد میباشد. در پناه پدر، پسر و روح القدس باشید.

Reta Jorj - زن مسیحی

۱۴۲۶ هـ ق

۴۱ - یهود یان و علمای آنها اعتقاد داشتند که مسیح به طریقی غیر واضح و غیبی خواهد آمد، و این فهم و درک موضوع از متونی که از شریعت حضرت موسی علیه السلام به آنها رسیده بود بدست آوردند یعنی مولودی وجود ندارد که در زمان آنها بدنیا بیاید با توجه به متونی که بدست آنها رسیده است.

انجیل لوقا: ۳-۲۳: (عیسی تقریباً سی ساله بود که خدمت خود را آغاز کرد و مردم فکر می کردند که او پسر یوسف است)

و همین طور آنها معتقد و منتظر بودند که می آید و از بیت لحم مبعوث می شود ولی او از ناصره از شهر جلیل که خیلی دور از انتظار بود که از آن شخصی صالح و نیکوکار بیرون آید، پس چگونه مسیح موعود از آن بسوی آنها بیاید.

جواب/ ناراحت نمی شوم ولی به خاطر شما محزون هستم. براستی ای اهل زمین شما در صحرای مادیات گمراه شدید همان طوری که بنی اسرائیل در صحرای سینا گمراه شدند.

احمد الحسن

والحمد لله وحده

اللهم صلی علی محمد و آل محمد الائمة والمهدیین وسلم تسلیما .